

# مقوق

## ما

سال اول

شماره ۲۰

ما از عدالت سهمی داریم

سازمان حقوق بشر ایران

۸ مهر ۱۳۹۴ / ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵

پرونده؛

### خشونت مجازی

خشونت مجازی علیه نوجوانان

خشونت مجازی زیر سایه نام‌های مستعار

فضای مجازی در ایران زیر کنترل مستقیم رهبری

خشونت جنسی جنسیتی علیه زنان در فضای مجازی

خشونت در فضای مجازی؛ شناخت و مقاومت در برابر تعدی جنسی در اینترنت

اعدام فاطمه سالبهی در زندان عادل آباد شیراز

## بی توجهی در رسیدگی پزشکی به مصطفی عزیزی و ابتلا به بیماری زونا در زندان

پرستوعزیزی، فرزند مصطفی عزیزی نویسنده و تهیه کننده سابق برنامه‌های تلویزیونی که از ۱۲ بهمن ۱۳۹۳ در زندان به سر می‌برد، به کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گفت که پدرش در زندان به بیماری «زونا» مبتلا شده است. پرستو عزیزی فرزند این زندانی سیاسی گفت: «چند وقتی بود که پدرم می‌گفت تب دارد و سرما خورده است. بهداری زندان اوین هم چیزی تشخیص نداد و برایش مسکن تجویز کرده بود. دست‌هایش خارش داشت و فکر می‌کرد حساسیت است».

دختر این زندانی عقیدتی به کمپین گفت که دست‌ها و بازوها و آرنج‌ها و انگشت‌های پدرش پر از تاول‌های ریز و درشت شده است و پزشک عمومی بهداری زندان تشخیص داده که بیماری او زونا است، اما تنها به او یک آمپول کورتون تزریق کرده‌اند. خانم عزیزی در ادامه گفت: «متأسفانه پدرم به پزشک متخصص دسترسی ندارد. گفته‌اند هیچ متخصص پوستی ندارند که بیاید و او را معاینه کند. امیدوارم که اجازه بدهند او برای درمان به بیرون زندان برود و یا یک پزشک متخصص به زندان برود و او را معاینه کند. به او گفته‌اند زونا است و خودش می‌گذرد و نیازی به متخصص نیست».

پرستو عزیزی همچنین گفت: «اگر زودتر تشخیص می‌دادند که بیماری پدرم سرماخوردگی نیست و به جای تجویز مسکن، آزمایش‌های پزشکی انجام می‌دادند، شاید بیماری او تشدید و به زونا تبدیل نمی‌شد». به گفته دختر این زندانی عقیدتی، آقای عزیزی سابقه بیماری‌های دیابت، نفس تنگی و رماتیسم هم دارد. مصطفی عزیزی ۵۳ ساله که در حال حاضر در زندان اوین به سر می‌برد، نویسنده و تهیه‌کننده سریال و برنامه‌های موفق تلویزیونی

## دادگاه نرگس محمدی برگزار نشد

دادگاه رسیدگی به اتهام‌های نرگس محمدی مدافع حقوق بشر و زندانی سیاسی در ایران، بدون اطلاع قبلی به او و وکلایش، برگزار نشد.

به گزارش سایت کانون مدافعان حقوق بشر، قرار بود نرگس محمدی روز سه‌شنبه ۱۴ مهر در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب محاکمه شود؛ اما این جلسه به دلایل نامعلومی برگزار نشده است.

نرگس محمدی، نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر، عضو کارزار لغو گام به گام اعدام، کانون شهروندی زنان و رییس هیات اجرایی شورای صلح ایران، در تاریخ ۱۵ اردیبهشت سال جاری بدون ارسال احضاریه از سوی دایره اجرای احکام، توسط نیروهای امنیتی - قضایی بازداشت شد.

در ماه‌های گذشته، سازمان‌های حقوق بشری و همچنین جمعی از فعالان مدنی با صدور اطلاعیه‌های متعددی آزادی



از جمله سریال «مسافر» در سال ۱۳۷۹ بود. این هنرمند به همراه خانواده‌اش در سال ۲۰۰۸ به کشور کانادا مهاجرت کرد و در اواخر آذر ماه ۱۳۹۳ به ایران بازگشت؛ اما کمی بعد در تاریخ ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۳ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مدت یک ماه در بند دو الف سپاه پاسداران زندان اوین بازجویی شد. او در تاریخ ۱۱ خرداد ماه ۱۳۹۴ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به هشت سال زندان از سوی این دادگاه محکوم شد. اتهامات او اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، توهین به رهبری و تبلیغ علیه نظام است.

آرش عزیزی، دیگر فرزند او ۱۸ خردادماه ۱۳۹۴ به کمپین گفت او به دلیل اتهام اجتماع و تبانی به پنج سال حبس، به اتهام توهین به رهبری به دو سال و به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس محکوم شده است.

مصطفی عزیزی پس از صدور حکم به آن اعتراض کرد و خواستار بررسی مجدد حکم در دادگاه تجدید نظر شد. پرستو عزیزی، فرزند او در این رابطه به کمپین گفت: «دادگاه تجدید نظر پدرم در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۹۴ به ریاست قاضی بابایی برگزار شد، خود پدرم هم در این جلسه حضور داشت. اما هنوز نتیجه و تصمیم دادگاه به ما اعلام نشده است».



نرگس محمدی را با این تاکید که او بیمار بوده و نیاز به درمان جدی دارد، خواستار شده بودند. نرگس محمدی به بیماری‌های آمبولی ریه و فلج عضلانی مبتلا است و مقام‌های مسوول در نهادهای امنیتی و قوه قضاییه در جریان بیماری او هستند.

## سهیل عربی از اعدام نجات یافت اما آزار قضایی علیه وی ادامه دارد



گزارش‌گران بدون مرز محکومیت هفت سال و نیم زندان قطعی وبنگار زندانی سهیل عربی را که دو سال آن مرحله «اثبات پشیمانی با پژوهش دینی» برای لغو کامل مجازات مرگ است، محکوم کرد. در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۹۴ این وبنگار در شعبه ۸۱ دادگاه کیفری تهران دوباره محاکمه و به هفت سال و نیم زندان با احتساب دو سال برای اثبات پشیمانی و تغییر در رفتار برای نجات از مجازات اعدام، محکوم شده است.

بر اساس حکم صادره، وی در مدت این دو سال باید ۱۳ جلد کتاب در حوزه دین‌شناسی، مذهب‌شناسی و رفع شبهات دینی بخواند. در مرحله دوم باید از هر کتاب ۵ تا ۱۰ صفحه خلاصه تهیه کند، با موسسه «در راه حق» و پژوهش‌کننده امام خمینی مکاتبه و باید پاسخ شبهات خود را بگیرد و پرسش و پاسخ‌ها را به صورت مکتوب به دادگاه ارایه کند. وی همچنین باید مقاله‌ای با موضوع دین یا مذهب‌شناسی تهیه و برای نوشتن آن به ۵ تا ۱۰ کتاب رجوع کند. او باید طی دو سال و هر سه ماه یک گزارش از تحقیقات خود به دادگاه ارایه کند، تا پشیمانی‌اش به دادگاه ثابت شود و از مجازات اعدام رهایی یابد.

رضا معینی مسوول میزبان فارسی گزارش‌گران بدون مرز در این باره گفت: «سهیل عربی بدون شک از مجازات اعدام فوری نجات یافته است، ولی این حکم تازه نیز مجازاتی قرون وسطایی است. نوعی شکنجه عمدانه‌ی متهمی‌ست که بارها اعلام کرده قصد توهین عمدانه به دین را نداشته است. هدف دستگاه قضایی در کنترل علی‌خامنه‌ای از صدور چنین حکمی ایجاد وحشت در میان کاربران اینترنت ایران است. ما خواهان لغو این حکم هستیم که مشابه صدور حکم حبس با اعمال شاقه و مغایر با حقوق بین‌المللی و قوانین داخلی است و از گزارش‌گران ویژه سازمان ملل می‌خواهیم در این باره اقدام کنند».

سهیل عربی عکاس و وبنگار زندانی در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۹۲ از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازداشت و به بند امنیتی ۲ الف زندان اوین انتقال داده شد. وی به مدت دو ماه در انفرادی این بند تحت فشار قرار گرفت تا به «راه‌اندازی شبکه کفرگویی و توهین به مسوولان نظام» بر روی اینترنت اعتراف کند. این اعتراف‌ها سپس در دادگاه علیه وی مورد استفاده قرار گرفت.

دو ماه پس از بازداشت در پی برگزاری محاکمه‌ای ناعادلانه شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران وی را به اتهام‌هایی چون «تبلیغ علیه نظام،

## اعدام فاطمه سالبهی در زندان عادل‌آباد شیراز

فاطمه سالبهی که به اتهام قتل همسر خود در سن ۱۷ سالگی بازداشت شده بود ساعتی پیش در محوطه زندان عادل‌آباد شیراز اعدام شد. بنابه اطلاع سازمان حقوق بشر ایران، فاطمه سالبهی روز گذشته به سلول انفرادی منتقل شد و به خانواده وی اطلاع دادند جهت آخرین ملاقات به زندان عادل‌آباد شیراز مراجعه کنند.

فاطمه سالبهی، متهم بود در سال ۱۳۸۸ همسر ۳۰ ساله خود «حامد صادقی» را به قتل رسانده است. وی در شعبه ۵ دادگاه کیفری استان فارس به اعدام محکوم شده و حکم وی در دیوان عالی کشور به تایید رسیده بود. پس از اجرایی شدن قانون مجازات اسلامی جدید مقامات قضایی با تجدید

دادرسی فاطمه سالبهی موافقت کرده و وی در نهایت دوباره به اعدام محکوم شد. حکم این زندانی که در زمان اجرا ۲۳ ساله بود ساعتی پیش در محوطه زندان عادل‌آباد شیراز به مورد اجرا درآمد. سازمان حقوق بشر ایران اعدام فاطمه سالبهی را شدیدن محکوم کرده و از مقامات ایران می‌خواهد اعدام کودکان را فوراً متوقف کند.







## خشونت در فضای مجازی؛

شناخت و مقاومت در برابر تعدی جنسی در اینترنت

سوزان هرینگ - دانشگاه ایندیانا



ترجمه و تلخیص: علی مهتدی

راحتی با جمع‌آوری اطلاعات از فرد یا افرادی دیگر مرتکب این نوع خشونت شده و منجر به تاثیر منفی گسترده‌ای شود.

### • خشونت و جنسیت

خشونت ارتباط مستقیم با جنسیت دارد. تحقیقات مختلف نشان داده که مردان به شکل نامتناسبی مرتکبان خشونت و زنان قربانیان آن در جهان مادی هستند. در جهان سایبری نیز این قاعده وجود دارد به طوری که زنان ۸۴ درصد قربانی خشونت مجازی شده‌اند و مردان ۶۴ درصد مرتکبان این خشونت بوده‌اند. برای بسیاری از کاربران زن اینترنت، خشونت بخشی از زندگی شده است. از هر پنج زن کاربر اینترنت، یک نفر قربانی خشونت مجازی جنسی شده‌اند. کودکان دختر نیز در فضای اینترنت دو برابر پسران هدف خشونت قرار گرفته‌اند.

مردان نیز قربانیان خشونت هستند، به خصوص خشونت از طرف دیگر مردان و در عین حال زنان نیز جزو مرتکبان خشونت در دنیای واقعی و مجازی هستند؛ ولی نباید این نکته را نادیده گرفت که تفاوت تناسب میان مردان و زنان در ارتکاب خشونت به این دلیل است که خشونت اساسا ابزاری برای سلطه و ترساندن است و مرتکب خشونت، تمایل دارد تا در هرم سلطه به پایین دستی‌ها تعرض کند و همین عامل باعث اختلالات اجتماعی بین جنسیت‌ها می‌شود.

### • طبقه‌بندی خشونت مجازی

مانع اصلی در برابر اتخاذ تصمیمات مهم و ایجاد راه‌کارهایی برای کاهش خشونت مجازی این‌هاست که عمومی است که این نوع از خشونت، خطر کم‌تری داشته و از خشونت خارج از دنیای مجازی حقیقت کم‌تری دارد. دلیل چنین باوری این است که خشونت مجازی با آن‌چه که ما از خشونت می‌شناسیم مطابقت ندارد. در عین حال این نوع از خشونت هنوز به عنوان یک پدیده تلقی می‌شود. همان‌طور که در نمودار زیر نشان داده، خشونت زنجیره‌ای از بیشتر به کم‌تر در نظر گرفته می‌شود:

خشونت کم‌تر	<----->	خشونت کم‌تر
آفلاین		آنلاین
فیزیکی		مجازی
عملی		نمادین
آسیب قابل مشاهده		آسیب پنهان
هدفمند علیه یک فرد		غیر هدفمند و عمومی
مرتکب، فردی حاشیه‌ای است		مرتکب، فردی عادی است

این یک نمونه اولیه از بازنمایی ذهنی یک مفهوم پیچیده با توسل به پیش‌فرض‌ها است. وقتی به خشونت فکر می‌کنیم معمولا قبل از اینکه یاد اینترنت بیافتیم به یک رفتار تند مثل تعدی جسمی و نه چیزی مثل فریب و ظلم روانی فکر می‌کنیم.

ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید سنگ و چوب می‌تواند استخوان من را بشکنند؛ اما اسامی هیچ آسیبی به من نمی‌رسانند. ما عمدتاً خشونت را ضرب و جرح هدفمند می‌دانیم که به شکل کلی توسط افرادی اعمال می‌شود که از نظر اجتماعی در حاشیه هستند و خیلی به ندرت می‌توانیم تصور کنیم که یک فرد تحصیل‌کرده دست به رفتارهای خشونت‌آمیز بزند و به همین دلیل مرتکبان خشونت از دسته دوم که به یقه‌سفیدها مشهور هستند می‌توانند ناشناس باقی بمانند.

از آن جایی که خشونت مجازی با تصور عمومی از خشونت سازگار نیست، به رسمیت شناختن آن و در نتیجه پیگرد و ممانعت از آن دشوار است. قدم اول در زمینه مبارزه با خشونت مجازی، شناسایی و نام‌گذاری آن است.

### • انواع خشونت مجازی

به شکل کلی خشونت مجازی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱- برقراری تماس در فضای مجازی که به خشونت در دنیای واقعی منجر می‌شود

اولین نوع از خشونت مجازی، ارائه اطلاعات نادرست است که منجر به خشونت در فضای غیر مجازی می‌شود. در این حالت، شخص معمولا به شکل هدفمند خود را بسیار بهتر از آن‌چه که هست نشان می‌دهد که نتیجه آن می‌تواند منجر به کلاهبرداری مالی، سرقت، تجاوز یا ضرب و جرح شود. این رفتار در واقع فریب و خیانت به اعتماد است و در بحث، بررسی و طبقه‌بندی خشونت در عرصه مجازی می‌تواند ذیل این سرفصل تعریف شود.

مثال: کاترین تارباکس سیزده ساله بود که در یک اتاق گفت‌وگوی مجازی با مارک ۲۳ ساله آشنا شد و پیام‌هایی را با یکدیگر رد و بدل کردند. وقتی بعد از مدتی کاترین، مارک را از نزدیک ملاقات کرد با فرانک کوفرویچ ۴۱ ساله مواجه شد که یک پدوفیل بوده و چندین سابقه تعرض به کودکان را در پرونده خود داشت. فرانک در اتاق یک هتل به کاترین تجاوز کرد و پس از آن ناپدید شد.

در این مثال، ویژگی‌های متعددی از شکل اولیه خشونت دیده می‌شود: فریب، آزار جسمی، تجاوز، رفتار توهین‌آمیز و همه اینها در قبال یک کودک ۱۳ ساله آسیب‌پذیر رخ داده بود. چنین اتفاقی در حقیقت کابوس بسیاری از پدر و مادرها است و به دلیل مطرح شدن موضوع در رسانه‌های عمومی و آشنایی مخاطبان با ترس از متجاوزان به کودکان، بحث‌برانگیز شد.

۲- نظارت آنلاین و ردیابی

این نوع از خشونت مجازی معمولا به شکل نظارت آنلاین و هدف قرار دادن یک نفر به شکل غیر قانونی صورت می‌گیرد. قربانی در فضای مجازی زیر نظر گرفته شده و اطلاعات خصوصی او با اهداف مشخصی جمع‌آوری می‌گردد که در واقع تجاوز به حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود و تحت عنوان «نظارت بر اینترنت» مورد بحث قرار می‌گیرد.

این نوع از خشونت گاه با علم و اطلاع قربانی صورت می‌گیرد و باعث ترس و نگرانی و آسیب روانی او می‌شود: «من می‌دانم تو کی هستی» یا «من می‌دانم که تو و بچه‌هایت کجا زندگی می‌کنید» که در واقع مفهومش این است که «من از این اطلاعات برای آسیب زدن به تو استفاده می‌کنم». در بسیاری از موارد این قبیل تهدیدهای مجازی به خشونت فیزیکی و حتی تهدید به قتل یا خودکشی منجر شده است.

مثال: دایوت کامفورت فارغ‌التحصیل دانشگاه سن دیه‌گو، دختر دانشجویی را در فضای مجازی تحت نظر گرفت. دایوت از کارت اعتباری بانکی یک استاد دانشگاه برای خرید و جمع‌آوری اطلاعات در مورد این دختر استفاده کرد و سپس بیشتر از صد پیام برای او ارسال کرد. این پیام‌ها شامل تهدید به مرگ، ارسال عکس‌های برهنه از قربانی و ارجاع‌هایی به فعالیت‌های عادی و روزمره او بود.

۳- تجاوز مجازی

تجاوز در اینترنت به رفتارهایی گفته می‌شود که با هدف آزار و اذیت و توهین به فرد دیگر انجام می‌شود. یک مشخصه بارز این رفتار، تکرار مداوم آن است به طوری که قربانی به هر راهی که متوسل شود، باز هم پیام‌های حاوی آزار و اذیت دریافت می‌کند. ضرر و زیان ناشی از این قبیل رفتارها در فضای مجازی بسیار متنوع است و می‌تواند منجر به اضطراب، احساس مورد اهانت قرار گرفتن، اتلاف وقت و انرژی و حتی ارتکاب جرم شود.

مثال: جین هیچکاک نویسنده هدف فریب اینترنتی از طرف گروهی قرار گرفت که خود را «آژانس ادبی وودساید» معرفی کرده بودند. متجاوزان مجموعه‌ای

کاترین تارباکس سیزده ساله بود که در یک اتاق گفت‌وگوی مجازی با مارک ۲۳ ساله آشنا شد و پیام‌هایی را با یکدیگر رد و بدل کردند. وقتی بعد از مدتی کاترین، مارک را از نزدیک ملاقات کرد با فرانک کوفرویچ ۴۱ ساله مواجه شد که یک پدوفیل بوده و چندین سابقه تعرض به کودکان را در پرونده خود داشت. فرانک در اتاق یک هتل به کاترین تجاوز کرد و پس از آن ناپدید شد. در این مثال، ویژگی‌های متعددی از شکل اولیه خشونت دیده می‌شود: فریب، آزار جسمی، تجاوز، رفتار توهین‌آمیز و همه اینها در قبال یک کودک ۱۳ ساله آسیب‌پذیر رخ داده بود. چنین اتفاقی در حقیقت کابوس بسیاری از پدر و مادرها است و به دلیل مطرح شدن موضوع در رسانه‌های عمومی و آشنایی مخاطبان با ترس از متجاوزان به کودکان، بحث‌برانگیز شد.

کاترین تارباکس سیزده ساله بود که در یک اتاق گفت‌وگوی مجازی با مارک ۲۳ ساله آشنا شد و پیام‌هایی را با یکدیگر رد و بدل کردند. وقتی بعد از مدتی کاترین، مارک را از نزدیک ملاقات کرد با فرانک کوفرویچ ۴۱ ساله مواجه شد که یک پدوفیل بوده و چندین سابقه تعرض به کودکان را در پرونده خود داشت. فرانک در اتاق یک هتل به کاترین تجاوز کرد و پس از آن ناپدید شد. در این مثال، ویژگی‌های متعددی از شکل اولیه خشونت دیده می‌شود: فریب، آزار جسمی، تجاوز، رفتار توهین‌آمیز و همه اینها در قبال یک کودک ۱۳ ساله آسیب‌پذیر رخ داده بود. چنین اتفاقی در حقیقت کابوس بسیاری از پدر و مادرها است و به دلیل مطرح شدن موضوع در رسانه‌های عمومی و آشنایی مخاطبان با ترس از متجاوزان به کودکان، بحث‌برانگیز شد.



نرم‌ها و انتظارهای اجتماعی مربوط به جنسیت و خشونت می‌تواند در فضای مجازی و برای مبارزه با خشونت سایبری مورد استفاده قرار بگیرد، به همان شکل که در فضای واقعی نیز از آن‌ها استفاده می‌شود. خشونت، به خصوص وقتی به مسایل جنسی مربوط می‌شود، به دلیل احساس گناه یا شرم مورد انکار قرار می‌گیرد. زنان به شکل خاص آموزش دیده‌اند که باور کنند اگر مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند، خودشان هم مقصر هستند. این شرایط اجتماعی موجب می‌شود که آن‌ها کمتر علاقه‌ای به گزارش کردن آزار و اذیت جنسی داشته باشند.

مشکل مهم‌تر آن است که خشونت علیه زنان به شکل گسترده‌ای در جوامع مختلف وجود دارد و به همین دلیل بسیاری از زنان و مردان تصور می‌کنند که این اتفاق «طبیعی» است...

فراوانی از ای‌میل‌ها را برای جین، همسرش و وکیلش ارسال کردند. متجاوزان پس از آن پیام‌هایی را به نام او مایل است که مردم با او تماس گرفته یا به منزلش مراجعه کنند تا خیال‌ها و توهمان جنسی خود را با او در میان بگذارند. در انتهای تمام پیام‌ها آدرس منزل و شماره تلفن جین درج شده بود.

در این مثال، متجاوزان محل زندگی جین را می‌دانستند و آزارهای آنها باعث شد تا جین منزل خود را تغییر دهد. در عین حال، بمباران ای‌میلی که صورت گرفت شخصیت این نویسنده را بدنام کرد. این یک نمونه از تجاوز مجازی تلافی‌جویانه است، چرا که ظاهراً جین در فضای مجازی حرفی زده یا حرکتی کرده بود که باعث خشم فرد دیگری شده بود.

۴- رفتارهای تحقیرآمیز

آخرین دسته از موارد خشونت سایبری تحقیر کردن است، مساله‌ای که به شکل عمومی در فضای آن‌لاین از طریق ترسیم تصویری تحقیرآمیز از زنان با کلمه یا عکس‌هایی که تشویق‌کننده تحقیر یا رفتار ناپسند با آنان است، رخ می‌دهد. در این مورد مسایلی نظیر تحقیر یا ایزه شدن زنان به شکل عمومی و کلی اتفاق می‌افتد. این شکل از تحقیر علاوه بر مورد زنان، ممکن است درباره هر گروه دیگری هم رخ دهد. چنین رفتارهایی ممکن است در رده خشونت‌های معمول جای نگیرند.

این نوع از تحقیر شاید موجب آسیب به یک هدف مشخص نشود؛ علاوه بر این ممکن است به شکل غیرمستقیم رخ دهد. چنین مواردی اغلب به عنوان یکی از اشکال آزادی بیان و حمله لفظی مورد بحث قرار می‌گیرند. این مسایل شامل شکل‌هایی از خشونت سایبری است که می‌تواند به توهین علیه زنان منجر شود، چه به شکل فردی و چه به شکل گروهی.

نخستین مورد از این مساله شامل تحقیر افراد از طریق متن‌هایی است که به شکل لیست ارائه می‌شوند.

مثال: در نوامبر ۱۹۹۵ ایمیلی از طریق چهار دانشجوی مرد دانشگاه کرنل در سطح وسیعی منتشر شد. این پیام حاوی لیستی با عنوان «۷۵ دلیل برای این‌که چرا زنان (حرامزاده‌ها/ کثافت‌ها) نباید از آزادی بیان برخوردار باشند» بود.

این دلایل ضد زن و خشونت‌آمیز شامل مواردی این‌چنینی بود:

- احمقانه صحبت و رفتار می‌کنند
- وقتی در خیابان مردی برای آن‌ها سوت می‌زند، باید خفه شوند و از دستورات پیروی کنند
- اگر نمی‌توانند صحبت کنند، نباید درباره تجاوز هم اعتراضی داشته باشند

این مقاله برای مشخص کردن انواع خشونت سایبری و دسته‌بندی آن در چهار رده اصلی تلاش کرد. ادعای اصلی مقاله آن است که تشخیص و مقاومت مقابل خشونت در فضای مجازی، سخت‌تر از دنیای واقعی است؛ چرا که در موارد متعددی با الگوهای رایج خشونت تفاوت دارد.

مشخص کردن نقاطی که این تفاوت‌ها به وجود می‌آید برای فهم بهتر این‌که چه مواردی می‌تواند خشونت سایبری محسوب شوند و چه مواردی در این دسته جای نمی‌گیرند و همچنین برای مشخص کردن نوع واکنشی که باید نسبت به آن انجام داد، لازم است.

البته عدم آشنایی با خشونت سایبری تنها دلیل برای عدم تشخیص و مقاومت مقابل آن نیست. اینترنت به خودی خود و به دلیل امکان ناشناس ماندن و ترس کم‌تر از مجازات، از دلایل تشویق به رفتارهای توهین‌آمیز در مقیاسی بیشتر نسبت به دنیای واقعی است. با این حال به نظر می‌رسد که عامل ناشناس ماندن، فاکتور تاثیرگذاری است که باعث می‌شود افراد رفتارهایی انجام دهند و دست به اعمالی بزنند که در حالت عادی شاید از آن پرهیز کنند.

ایدیولوژی اینترنت نیز در زمینه این‌که مشخص کند کدام رفتارهای آن‌لاین نامناسب هستند، نقش دارد. لیبرترین‌ها بر این عقیده‌اند که آزادی بیان حتی می‌تواند به توهین هم تسری پیدا کند و احتمالاً به اراده افراد برای انجام رفتارهایی نظیر هرزنگاری، نفرت‌پراکنی و تعرض جنسی بستگی دارد و البته درباره پورنوگرافی در وب صحبت نمی‌کنیم که مورد حمایت جدی طرفداران آزادی بیان قرار دارد. در مقابل گفتمانی وجود دارد که معتقد است خشونت سایبری مشکلی است که اغلب امنیت شخصی را مورد حمله قرار می‌دهد. یک مساله مهم آن است که پیش از مبارزه با خشونت سایبری، باید از آن مشروعیت‌زدایی کرد.

در نهایت نرم‌ها و انتظارهای اجتماعی مربوط به جنسیت و خشونت می‌تواند در فضای مجازی و برای مبارزه با خشونت سایبری مورد استفاده قرار بگیرد، به همان شکل که در فضای واقعی نیز از آن‌ها استفاده می‌شود. خشونت، به خصوص وقتی به مسایل جنسی مربوط می‌شود، به دلیل احساس گناه یا شرم مورد انکار قرار می‌گیرد. زنان به شکل خاص آموزش دیده‌اند که باور کنند اگر مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند، خودشان هم مقصر هستند. این شرایط اجتماعی موجب می‌شود که آن‌ها کمتر علاقه‌ای به گزارش کردن آزار و اذیت جنسی داشته باشند.

مشکل مهم‌تر آن است که خشونت علیه زنان به شکل گسترده‌ای در جوامع مختلف وجود دارد و به همین دلیل بسیاری از زنان و مردان تصور می‌کنند که این اتفاق «طبیعی» است. به همین دلیل زمانی که از دختران جوان درباره آزار و اذیت جنسی سوال می‌شود این مساله را انکار می‌کنند، اما با پرسیدن سوال‌های مشخص، آن‌ها می‌توانند به وجود انواع مختلفی از این آزارها اشاره کنند؛ مساله‌ای که به نظر آن‌ها شکل طبیعی اتفاق‌هایی است که رخ می‌دهد. فینکلهور و آل. مشاهده مشابهی درباره بچه‌های ۱۰ تا ۱۷ ساله‌ای داشته‌اند که درباره مطالعات‌شان پیرامون سواستفاده جنسی سایبری با آن‌ها مصاحبه کرده‌اند. عادی‌سازی خشونت - به خصوص خشونت علیه زنان - باید به چالش کشیده شود. پیش از آن‌که خشونت سایبری به امری فراگیر تبدیل شود.

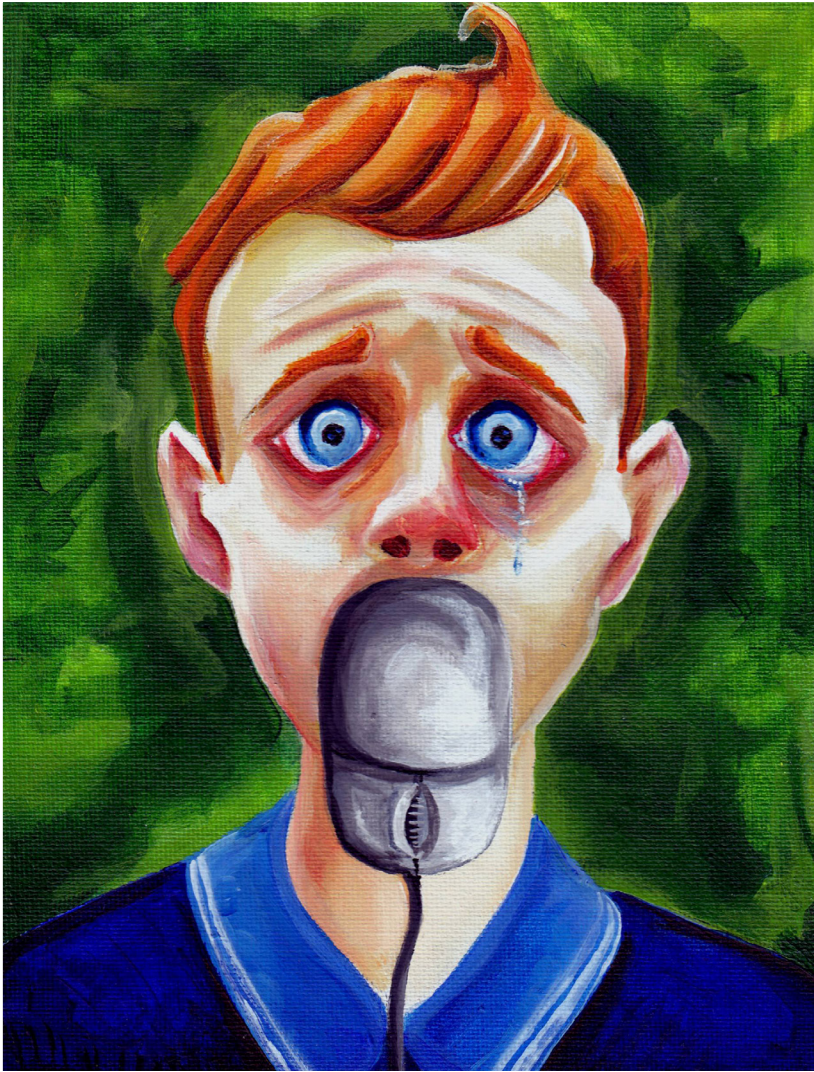
## خشونت مجازی علیه نوجوانان

حقوق ما - خشونت‌های مجازی یکی از انواع خشونت‌هایی است که امروزه علیه نوجوانان رایج شده و بر طبق آمار مشکلی بسیار جدی در میان نوجوانان و جوانان است. ارسال پیام‌های تهدیدآمیز به ایمیل یا موبایل، پخش کردن شایعه در محیط مجازی و یا از طریق پیام‌های خصوصی، پست کردن پیام‌های نامناسب یا تهدیدآمیز در صفحات وب یا شبکه‌های اجتماعی، هک کردن حساب‌های شخصی جهت ارسال پیام‌های مخرب، وانمود کردن خود به عنوان شخصی دیگر جهت آسیب رساندن فرد یا افرادی خاص، گرفتن عکس‌های ناخوشایند از فرد و پخش آن‌ها از طریق موبایل یا اینترنت، منتشر کردن تصاویر روابط یا پیام‌های جنسی در مورد یک شخص از مصداق‌های خشونت مجازی است.

خشونت مجازی می‌تواند مضرات بسیار زیادی برای نوجوانان داشته و منجر به اضطراب، افسردگی و حتی خودکشی شود. بسیاری از حمله‌کنندگان سایبری تصور می‌کنند خشونت آن‌لاین عملی مفرح است و از عواقب آن برای خود و سایرین مطلع نیستند. هم‌چنین ممکن است چیزهایی که در حال حاضر فردی نوجوان اقدام به پست و پخش آن‌لاین آن می‌کند در سرنوشت کاری و تحصیلی آینده‌ی او اثری سو داشته باشد.

در زنجیره خطر، برخی از جوانان و نوجوانان بیشتر در معرض خشونت‌های مجازی قرار می‌گیرند. همان‌طور که طبق تحقیقات، زنان بیشتر از مردان مورد خشونت آن‌لاین واقع می‌شوند. در حدود نیمی از قربانیان خشونت مجازی هدف خشونت‌ها و آزارهای غیرمجازی نیز هستند. قربانیان نوجوان خشونت مجازی اغلب منزوی، افسرده، مضطرب و ترسو تر از هم‌تاهای خود هستند. خشونت مجازی می‌تواند ادامه‌ی آزارهایی باشد که نوجوانان در مدرسه تجربه می‌کنند و از نظر احساسی می‌تواند به مراتب مخرب‌تر از خشونت رو در رو باشد. تهدیدها و طعنه‌های ارسال شده در فضای آن‌لاین از تمام دنیا در تمام زمان‌ها قابل مشاهده هستند و خود این ماندگاری، رنج را برای نوجوانان بیشتر می‌کند.

نوجوانان مزاحم سایبری، اغلب وب سایتی را جهت تشویق همکلاسی‌های دیگرشان برای تحقیر نوجوان دیگری راه می‌اندازند. بنابراین نوجوانی که با خشونت مجازی روبرو شده دایماً قربانی می‌شود در حالی که امکان گریز از این موقعیت



برای او وجود ندارد. به همین علت خشونت مجازی می‌تواند با واکنشی بسیار احساسی از طرف نوجوان آسیب دیده پاسخ داده شود.

بعضی از نوجوانان رفتارهای آن‌لاین و آف‌لاین خود را تغییر می‌دهند. بیش از پنجاه درصد آنان پس از مورد خشونت واقع شدن، احساس عصبانیت شدید داشته و حدوداً یک سوم آنها احساس صدمه خوردن دارند. پانزده درصدشان احساس ترس می‌کنند و نزدیک به سی درصد از نوجوانان درصدد انتقام‌گیری از شخص مزاحم هستند. نوجوانان در حال حاضر روش‌هایی را در زمان مواجه شدن با خشونت مجازی انجام می‌دهند.

سی و شش درصد از فرد می‌خواهند دست از آزار بردارند. سی و چهار درصد به ارتباط خاتمه می‌دهند (به وسیله بلاک کردن)

سی و چهار درصد با دوستانشان در این مورد صحبت می‌کنند. بیست و نه درصد هیچ کاری انجام نمی‌دهند. بیست و هشت درصد از اینترنت خارج شده‌اند.

و تنها یازده درصد از نوجوانان در مورد خشونت‌های مجازی با والدین‌شان صحبت می‌کنند.

در بسیاری از نقاط دنیا، حمله‌کنندگان سایبری و والدین‌شان در معرض برخورد قانونی قرار می‌گیرند و اگر خشونت مجازی آن‌ها در موارد مسایل جنسی طبقه‌بندی شود گاه ممکن است بسته



به جرمی که مرتکب شده‌اند تحت‌عنوان «مجرم جنسی» شناخته شوند.

علی‌رغم خطرات بالای خشونت مجازی، کماکان این امر در میان نوجوانان شایع است. با توجه به آمار، بیش از نیمی از جوانان و نوجوانان به صورت آنلاین مورد خشونت واقع شده‌اند و به همین میزان نیز افرادی به خشونت‌ورزی مجازی مشغول‌اند. از هر سه نفر، بیش از یک نفر تجربه تهدید آنلاین را داشته است و بیش از بیست و پنج درصد جوانان و نوجوانان به صورت مداوم از طریق تلفن و یا اینترنت مورد آزار واقع شده‌اند و بیش از نیمی از آنان در مورد آن چیزی به والدین‌شان نگفته‌اند.

گزارش‌های اخیر از گاردین نشان می‌دهد که امروزه والدین بیشتر نگران استفاده‌ی نوجوانان‌شان از الکل و مواد مخدر هستند تا موضوعات شایعی مانند خشونت مجازی. حال آن‌که دختران جوان عقیده دارند خشونت مجازی یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های زندگی آنان است؛ به طوری که بر طبق تحقیقات جدید در بریتانیا ۳۷ درصد دختران آن را مهم‌ترین نگرانی خود می‌دانند.

امروزه نوجوانان بیش از هر زمان دیگری از تکنولوژی استفاده می‌کنند. بیش‌تر آن‌ها به اینترنت سرعت بالا دسترسی دارند که به آنان اجازه‌ی عضویت در شبکه‌های اجتماعی، ساختن وبلاگ و ویدیو، فرستادن پیام، به اشتراک گذاشتن عکس‌ها و غیره را می‌دهد. هم‌چنین بسیاری از آنان از طریق تلفن همراه ساعت‌های زیادی را به مسیج دادن به دوستانشان می‌گذرانند.

در عین حالی که اینترنت به ما اجازه‌ی دسترسی به اطلاعاتی فراوان را در کوتاه‌ترین زمان می‌دهد، محیطی را نیز برای برخی افراد در جهت آسیب‌زدن به دیگران فراهم نموده است. این تکنولوژی به برخی نوجوانان اجازه داده است که خشونت‌های راهروهای مدرسه را به محیط آنلاین بکشانند. بزرگ‌ترها می‌توانند خشونت آنلاین را اولاً با دانستن این‌که چرا نوجوانان به این‌کار مبادرت می‌ورزند و ثانیاً با آموزش رابطه‌های سالم در محیط‌های مجازی، کاهش دهند. والدین می‌بایست اخلاقیات، مسوولیت‌پذیری و امنیت در اینترنت را به نوجوانان خود بیاموزند و در مورد فواید و مضرات استفاده از اینترنت با آنان صحبت کنند.

بازگویی مثال‌هایی از اتفاقات ناخوشایندی که می‌تواند در محیط آنلاین بیافتد، به نوجوان کمک می‌کند عملی را که در ذهنش تحت‌عنوان امری طبیعی و بی‌ضرر دسته‌بندی کرده بازخوانی کند. به عنوان مثال زمانی که فردی غریبه راجع به عکسی که نوجوان از خودش در شبکه‌ای اجتماعی منتشر کرده صحبتی را شروع می‌کند، نوجوان می‌تواند با احتیاط بیشتری رفتار کرده و از مکالمه خارج شود. والدین باید بدانند فرزندشان چه کارهایی را در زمان

آنلاین بودنش انجام می‌دهد و رفتار آنلاین او را مورد پیگیری قرار دهند. به وبسایت‌ها یا شبکه‌های اجتماعی‌ای که فرزندشان به صورت مرتب در آن حضور دارد سرکشی کنند تا در جریان کارهایی که او به صورت آنلاین انجام می‌دهد قرار گیرند. قوانین ارتباطات مجازی را به نوجوانان بیاموزند و ضمانت اجرایی قوانین آنلاین را به صورت ملموس برای آنها توضیح دهند تا فرزندانشان از عواقب آن مطلع باشند. کامپیوتر را حتی‌الامکان در اتاقی پر تردد در خانه قرار دهند تا امکان زیر نظر گرفتن فعالیت‌های آنلاین نوجوان فراهم باشد. به نوجوانان و جوانان مصداق‌های خشونت مجازی را آموزش داده و آن‌ها را از عواقب منفی مزاحمت‌های سایبری مطلع کنند. برای آن‌ها توضیح دهند افرادی که خشونت مجازی انجام می‌دهند اغلب گمنام باقی نمی‌مانند. آنها می‌توانند ردیابی شده و در صورت مزاحمت و آزار، تنبیه شوند. با نوجوانانشان در مورد واکنش‌های مناسب بعد از مورد خشونت واقع شدن صحبت کنند. به آن‌ها بگویند در زمانی که مورد خشونت واقع شدند صحبت را با شخص ادامه ندهند و او را بلاک کنند. از انتقام‌گیری چه به‌صورت رو در رو و چه به‌صورت مجازی بپرهیزند و هرگونه خشونت را به والدین‌شان اطلاع دهند.

و از همه مهم‌تر آن‌ها باید این اطمینان را به فرزندانشان بدهند که در پروسه‌ی مورد خشونت قرار گرفتن مقصر نیستند.

در کنار همه‌ی تلاش‌های جمعی جهت آموزش نوجوانان در مورد امنیت سایبری، ممکن است آن‌ها کماکان قربانی مزاحمین سایبری شوند. دانستن آسیب‌های احساسی ناشی از خشونت مجازی بسیار حایز اهمیت است. قربانیان خشونت مجازی رنج بیشتری را در مقایسه با خشونت رودر رو متحمل می‌شوند. چرا که نوشته‌های آنلاین به صورت بیست و چهار ساعته بر روی اینترنت وجود داشته و برای سال‌ها در روی حافظه‌ی اینترنت باقی می‌ماند و خود این مساله رنج این خشونت را برای قربانی بیشتر می‌کند.

نوجوانان ممکن است به دلایلی چون خودمقصر پنداری، ترس از مجازات و یا نگرانی در مورد محدود شدن استفاده‌شان از اینترنت و تلفن همراه چیزی از خشونت‌هایی که بر آنان اعمال شده به والدین‌شان نگویند و در حالت بسیار افراطی، خشونت مجازی ممکن است منجر به خودکشی و یا خشونت بیرونی توسط نوجوان شود. بی‌جهت نیست که جویدیت مارگروم روان‌شناس بالینی می‌گوید «در دوران قبل از اختراع کامپیوتر اگر مورد خشونت واقع می‌شدید به خانه می‌رفتید و خود را به محیط امنی رسانده بودید؛ اما امروزه با وجود اینترنت هیچ‌گاه از آن رهایی نخواهید داشت».

با توجه به آمار، بیش از نیمی از جوانان و نوجوانان به صورت آنلاین مورد خشونت واقع شده‌اند و به همین میزان نیز افرادی به خشونت‌ورزی مجازی مشغول‌اند. از هر سه نفر، بیش از یک نفر تجربه تهدید آنلاین را داشته است و بیش از بیست و پنج درصد جوانان و نوجوانان به صورت مداوم از طریق تلفن و یا اینترنت مورد آزار واقع شده‌اند و بیش از نیمی از آنان در مورد آن چیزی به والدین‌شان نگفته‌اند.

گزارش‌های اخیر از گاردین نشان می‌دهد که امروزه والدین بیشتر نگران استفاده‌ی نوجوانان‌شان از الکل و مواد مخدر هستند تا موضوعات شایعی مانند خشونت مجازی. حال آن‌که دختران جوان عقیده دارند خشونت مجازی یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های زندگی آنان است؛ به طوری که بر طبق تحقیقات جدید در بریتانیا ۳۷ درصد دختران آن را مهم‌ترین نگرانی خود می‌دانند.



## خشونت مجازی زیر سایه نام‌های مستعار

به جای ورزش و تفریح سوق دهد. دولت‌ها موظف هستند که از طریق قانون، شهروندان را در مقابل خشونت محافظت کنند؛ اما در ایران که دولت الگوی مناسبی برای جامعه نیست و نه تنها به عنوان مانعی در مقابل خشونت شناخته نمی‌شود، بلکه منبع خشونت است، فرهنگ خشونت‌ورزی را در میان اقشار مختلف جامعه نهادینه می‌کند.

به این ترتیب، در بسیاری از موارد دیده شده است که مردم قانون را در دست خودشان می‌گیرند و در پی حل ناملازمات و مشکلات اجتماعی به صورت خودسر هستند. فضای مجازی نیز از این گونه ابزار خشونت‌ها مصون نمانده و هر روزه شاهد ابزار نفرت و یا خشونت نسبت به اقشار مختلف جامعه هستیم. زنان در این بین، از جمله گروه‌هایی هستند که بیش‌ترین آسیب‌ها را در زمینه خشونت‌ورزی در فضای مجازی می‌بینند. فضای مجازی امکان درست کردن حساب‌های کاربری ناشناس را در اختیار مردم می‌گذارد و همین مساله باعث می‌شود که افراد با نام و نشانی مجازی و پنهانی، قدرت خشونت‌ورزی بیش‌تری را پیدا کنند.

شبکه‌های اجتماعی مختلف در اینترنت به کاربران اجازه می‌دهند تا صفحه شخصی و اطلاعات مخصوص به خود را در آن قرار دهند و با فهرست بلندبالایی از دوستان‌شان در ارتباط باشند و همین امر زمینه مناسبی را برای آزار و اذیت اینترنتی فراهم می‌کند.

مشکل دیگری که فضای مجازی برای برخی از افراد ایجاد می‌کند این است که آن‌ها تصور می‌کنند هیچ بهایی

حقوق ما - ابزار خشونت، دلایل متفاوتی دارد. خشم مهار نشده‌ای که رابطه گریزناپذیری با شخصیت انسان‌ها دارد، می‌تواند آن‌قدر قوی باشد که زندگی فردی که خشونت می‌کند و یا فرد خشونت دیده را مختل کند. آستانه تحمل پایین و مشکلات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و موارد زیادی از این دست می‌تواند از عواملی باشد که برخی از افراد را خشونت‌طلب می‌کند. اما خشونت‌هایی که در دنیای امروز اتفاق می‌افتد، پیامدهایی نیز برای افراد دارد. دولت‌ها از طریق قوانین تصویب شده در کشورشان، با فرد خشونت‌طلب برخورد‌های مختلفی می‌کنند. اخطار دادن پلیس، تعهدنامه‌های مختلفی که باید توسط فرد خشونت‌طلب امضا شود، زندانی کردن و ... پیامدهایی هستند که در نتیجه خشونت حاصل می‌شود. اما خشونت در فضای مجازی، هم‌چنان پدیده‌ای جدید است که نیاز بیش‌تری به مطالعه و ایجاد قوانین و راهکارهای جدید برای مقابله دارد.

در جوامعی که نشاط اجتماعی پایین است و شهروندان از سیاست‌های غلط دولت رنج می‌برند، ناامیدی از احقاق حق افزایش می‌یابد و عواملی دیگری نظیر آلودگی هوا و آلودگی صوتی، معماری نامناسب و مشکلات اقتصادی سبب می‌شود تا صبر و تحمل شهروندان کاهش پیدا کند و در نتیجه نزاع و درگیری بیش‌تری رخ دهد. پایین بودن رفاه اجتماعی و کمبود سرگرمی‌های مناسب برای سنین مختلف در جامعه‌ای مانند ایران، از دلایلی است که افراد بسیار زیادی را به سمت استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی



در مقابل ابزار خشونت در اینترنت نمی‌پردازند و به همین دلیل دست خود را باز می‌بینند تا انواع توهین‌ها و خشونت‌ها را به کار گیرند. آزار و اذیت‌های جنسی، فحاشی، تهدید و استفاده از کلمات نژادپرستانه از نمونه‌های خشونت در فضای مجازی است که در بیش‌تر موارد زنان و اقلیت‌ها را نشانه می‌گیرد. معمولاً افرادی که دست به خشونت در فضای مجازی می‌زنند از جمله افرادی هستند که یا فرصت پیامدهای آن پیدا نمی‌کنند و یا دارای کمبودهای مختلف و خشم پنهان هستند که در فضای اینترنت فرصت بروز آن را پیدا می‌کنند.

خشونت در فضای مجازی قدرت دفاع در لحظه را از فرد خشونت دیده می‌گیرد و می‌تواند به سرعت گسترش یابد. به عنوان مثال نوشته‌ای که حاوی دشنام و توهین است می‌تواند میلیون‌ها بار منتشر شود و فرد خشونت دیده، فرصت پاسخ به تک تک آن‌ها را نداشته باشد. عصبانیت، اضطراب، افسردگی و اندوه عمیق و حتی منازعات خانوادگی از پیامدهایی است که در انتظار فرد خشونت دیده در فضای مجازی است.

در همین زمینه با علی اشرفی، کارشناس علوم اجتماعی و روزنامه‌نگار و مهرانگیز دارابی، جامعه‌شناس گفت‌وگویی داشتیم.

#### • به نظر شما خشونت در فضای مجازی به چه دلیل صورت می‌گیرد؟

**اشرفی:** فضای مجازی آینه جامعه ماست. آینه‌ای تمام‌نما که بخش‌های پنهان و سانسور شده جامعه را نیز به نمایش می‌گذارد. در فضای مجازی، افراد می‌توانند هویت واقعی خود را پنهان کنند، بنابراین بسیار راحت‌تر به بیان باورها و علایق خود می‌پردازند.

خشونت در فضای مجازی ایران هم از این امر مستثنی نیست. تجربه نشان داده است جوامعی که دچار فقر اقتصادی می‌شوند گرایش بیشتری به ناسیونالیسم و کمونیسم پیدا می‌کنند. جامعه ایرانی با فقر و بحران‌های قومیتی، مذهبی، ملی و جنسیتی روبه‌روست. هویت جنسی، مذهبی، قومیتی و ملی برای جوانان تعریف نشده است و افراد در جستجوی یک «ما» برای تعریف خود هستند. بنا بر این به سرعت تحت تاثیر تبلیغات سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی، خشم خود که ناشی از سرخوردگی‌های اجتماعی است را بروز می‌دهند. در این میان آن‌چه بیش از هر چیز در فضای مجازی به چشم می‌خورد خشونت جنسیتی، قومی و مذهبی است. عدم آموزش صحیح در خصوص جنسیت و سکس و عدم تعریف صحیح مفاهیمی هم‌چون وطن، دین، زبان و قومیت، فضای پرتنش را برای اذهان جوان که درصد قابل توجهی از کاربران ایرانی اینترنت را به خود اختصاص داده، ایجاد کرده است.

**دارابی:** فضای مجازی به اشتباه به عنوان محلی مخفی و پنهان برای برخی از مردم جا افتاده است. فضایی که در آن می‌توانند دست به فعالیت‌های مختلف بزنند و کسی امکان دسترسی به آن‌ها را نداشته باشد. این دسته از افراد باید توجه داشته باشند که قوانینی وجود دارد که به آن‌ها امکان توهین و تهدید و اقسام دیگر خشونت در فضای مجازی را نمی‌دهد و آن‌ها باید بهای این رفتار را بپردازند، اما متأسفانه در کشوری مانند ایران، زمان زیادی لازم است برای درونی کردن فرهنگ استفاده از اینترنت و فضای مجازی. تا وقتی که فرد به صورت درونی به این آگاهی نرسد که در فضای مجازی نیز مانند دنیای حقیقی هنجار و ناهنجار وجود دارد، ادامه خشونت در فضای مجازی امر بعیدی نخواهد بود.

#### • کدام قشر از جامعه بیش‌ترین ضربه را از خشونت‌های مجازی می‌خورند و چرا؟

**اشرفی:** بدیهی است که از گسترش خشونت، همگان آسیب می‌بینند حتی خشونت‌گران و خشونت‌گرایان. اما در این بین آسیب‌پذیرترین افراد، جوانان و به خصوص زنان هستند. برای مثال یک کاربر اینترنت دختر با سن ۲۰ سال را در نظر بگیرید. وقتی سایت‌های سرگرمی و شبکه‌های اجتماعی مملو از جوک‌های سکسیستی باشد و از طرفی از جانب قوانین و عرف اجتماعی نیز هیچ جایگاه مناسبی برای یک زن در نظر گرفته نشده باشد و سیستم آموزشی نیز به هیچ عنوان روشن‌گر نباشد چه انتظاری می‌توان داشت؟

یا وقتی در مواردی یک جوان کرد یا ترک یا بلوچ به دلایل قومیتی یا مذهبی به شدت تحقیر شده است و از نظر اقتصادی نیز چشم‌انداز روشنی را در مقابل خود نمی‌بیند، رفتاری جز خشونت از خود بروز نخواهد داد.

**دارابی:** باید بگویم که زنان و اقلیت‌ها از جمله افرادی هستند که بیش‌تر از اقشار دیگر در معرض خشونت مجازی قرار دارند و به همین روی، ضربه جبران‌ناپذیری را متحمل می‌شوند. اگر قوانین روشنی در زمینه‌ی خشونت‌های مجازی در کشورهای مختلف وجود داشته باشد، فردی که دست به خشونت می‌زند نیز از مجازات‌های مناسب برخوردار می‌شود و از این طریق می‌توان ادعا کرد که او هم ضربه عمل ناهنجار خود را می‌خورد اما در کشوری که قوانین روشنی در برابر خشونت مجازی وجود ندارد، فرد خشونت دیده می‌تواند ضربه‌های جبران‌ناپذیری بخورد. چرا که قانون حمایتی از او به عمل نمی‌آورد و فرد خود را تنها و بی‌دفاع می‌یابد و افسردگی و اضطراب می‌تواند از نمونه‌های باشد که فرد خشونت دیده را مبتلا می‌کند.

#### • آیا رابطه‌ای میان جوامع توسعه نیافته و یا در حال توسعه، با جوامع پیشرفته در زمینه خشونت‌های مجازی وجود دارد؟

اشرفی: جوامع توسعه یافته همواره تولیدکننده و جوامع در حال توسعه همواره مصرف کننده کالاهای مختلف بوده و هستند. از جمله کالاهای فرهنگی، فکری و سیاسی. در خصوص خشونت و انواع آن، جوامع در حال توسعه کالاهای فرهنگی و فکری جوامع توسعه یافته را دریافت کرده و با فرهنگ و مذهب خود آمیخته و بومی می‌کنند. راسیسم و اشکال مختلف آن توسط تئوریسین‌های جریان‌هایی هم‌چون پان‌ایرانیست‌ها، پان ترک‌ها و یا تندروهای مذهبی دریافت و بومی‌سازی می‌شوند. در این مسیر تجربیات تاریخی جوامع توسعه یافته نیز مورد توجه آن‌ها قرار می‌گیرد. ادبیات سران سیاسی کشورهای توسعه یافته بازار مصرف بسیار خوبی در جوامع در حال توسعه دارد. این ادبیات چه در میان افراد تاثیرگذار و مقامات سیاسی و مذهبی و چه توسط افراد عادی جذب، بومی سازی و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

**دارابی:** از آنجایی که در جوامع توسعه یافته استفاده از فضای مجازی سابقه‌ی طولانی‌تری دارد، گذر از مشکلات استفاده از این فضا نیز تا حدود زیادی اتفاق افتاده است. افراد به خوبی از وجود قوانین مرتبط با فضای مجازی مطلع هستند و همین مساله می‌تواند باعث کاهش خشونت‌ها در فضای مجازی شود. اما در کشوری مانند ایران، شهروندان زیادی به دلیل سرکوبی که از جانب حکومت صورت می‌گیرد با استفاده از آی‌دی‌هایی با نام‌های مستعار مجبور به استفاده از فضای مجازی اینترنت می‌شوند و همین امر می‌تواند دلایلی باشد برای نهراسیدن از پیامدهای خشونت مجازی. از طرف دیگر، جوامعی با حکومت‌های دیکتاتوری

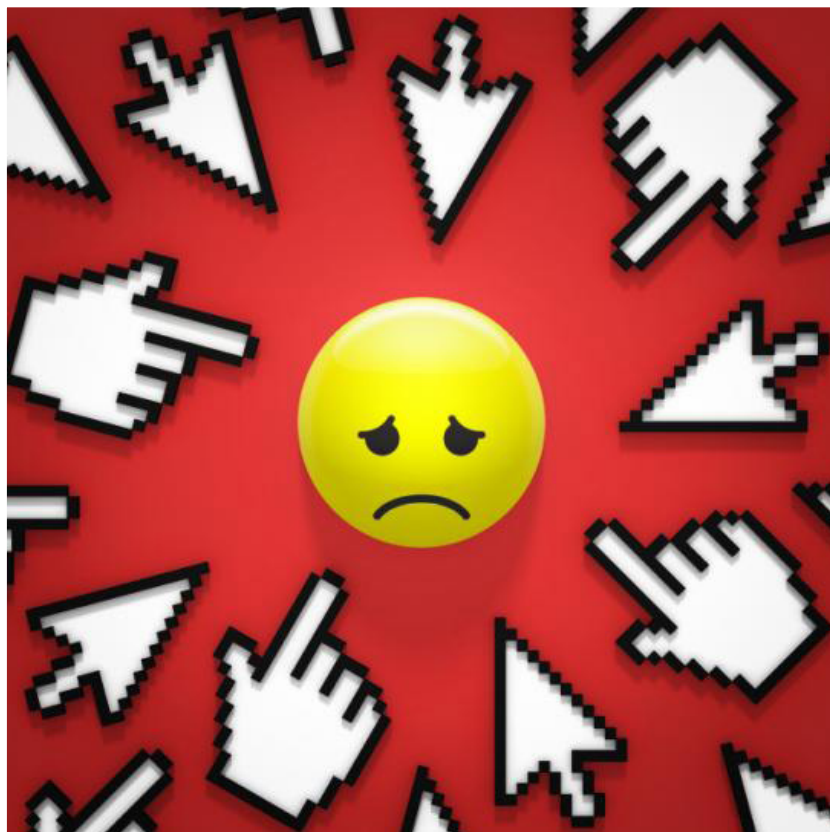
و غیر دموکراتیک، که همواره از سوی حکومت با سرکوب مواجه می‌شوند؛ بیشتر از جوامعی با حکومت‌های دموکراتیک تولید خشونت می‌کنند.

#### • پیامدهای خشونت آنلاین چیست؟

**اشرفی:** خشونت آنلاین، قبح بسیاری از اعمال و رفتارها را که پیش‌تر صرفاً در افکار حضور داشته، از میان برداشته و به سرعت به این افکار عینیت می‌بخشد. گروه‌های مختلف در شبکه‌های اجتماعی، در دنیای واقعی، گرد هم آمده و فعالیت‌های خود را سازمان‌دهی می‌کنند. اما رفتارهای گروهی صرفاً بخشی از این تاثیرات است. تغییر رفتار افراد جامعه متأثر از عادی شدن خشونت در فضای مجازی به مرور نهادها

و سازمان‌ها را تحت تاثیر قرار داده و جامعه را نسبت به خشونت بی‌تفاوت می‌کند.

**دارابی:** معمولاً عنوان می‌شود که خشونت از دنیای حقیقی به فضای مجازی منتقل شده است، اما بحث خشونت و انتقال آن، بحثی دوجانبه است. خشونت‌های کلامی و تهدیدهایی که در فضای مجازی رخ می‌دهد، می‌تواند عاملی برای خشونت‌ها در زندگی روزمره انسان‌ها باشد. به دختری در یک خانواده سنتی در یکی از شهرهای ایران فکر کنیم که عکسی از او که به عقیده‌ی خانواده‌اش، عکسی مناسب نیست، توسط پسری در اینترنت برای انتقام‌جویی پخش شده است. در این صورت، خانواده دختر ممکن است به دلیل تفکرات سنتی با خشونت پاسخگوی دختر باشند و با توجه به تفکر ناموس‌پرستی، دست به آزار و اذیت جسمی دختر و یا حتی قتل او بزنند. پس دنیای حقیقی و فضای مجازی و خشونت در آن فرایندی دوجانبه است. اما از دیگر آثاری که از خشونت در اینترنت بر روی فرد باقی می‌ماند احساس افسردگی و اضطراب و از دست دادن اعتماد به نفس است. احساس عدم اطمینان و تنهایی و ناتوانی هم می‌تواند از دیگر آثار آن باشد. اما دیده شده است که در برخی موارد خشونت علیه اکتیویست‌ها به ویژه زنان صورت می‌گیرد و هدف از این خشونت‌ها، جلوگیری زنان اکتیویست از فعالیت‌های‌شان است. آثاری که از این نوع خشونت‌ها به جای می‌ماند، بسته به شخصیت افراد متفاوت است اما اضطراب گزینگی‌های جدایی‌ناپذیری است که به میزان مختلف برای تمام قربانیان خشونت ایجاد می‌شود.







## خشونت جنسی جنسیتی علیه زنان در فضای مجازی



آیدا گجر

همان قدر که خشونت علیه زنان را می‌توان در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر و روستا مشاهده کرد یا در خانواده و توسط اعضای آن، به همان میزان نیز خشونت آنلاین علیه زنان در جریان است. شاید بتوان گفت که اغلب زنانی که در فضای مجازی حضور دارند دست‌کم یک‌بار مورد آزار و اذیت جنسی جنسیتی قرار گرفته‌اند.

مسئله‌ای که البته به مانند خشونت‌های جنسی جنسیتی در فضای واقعی در مقابل آن سکوت بیش از افشا اتفاق می‌افتد. اگرچه آمار درستی از شمار زنانی که در فضای مجازی مورد آزار و اذیت جنسی جنسیتی قرار گرفته‌اند در دست نیست اما موسسه نظرسنجی «پیو» در آمریکا سال گذشته آماری ارائه داده که طبق آن دست‌کم ۶۰ درصد کاربران حداقل یک‌بار شاهد آزار یک زن کاربر در اینترنت بوده‌اند. ۲۴ درصد کاربران نیز تایید کرده‌اند که شاهد تداوم این آزار و اذیت‌های آنلاین بوده‌اند. در واقع به همان میزان که «نه» گفتن زنان در دنیای واقعی مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد؛ در دنیای مجازی نیز «نه» به گونه‌های مختلف تعبیر می‌شود و در نتیجه‌ی آن خشونت علیه آنان تداوم پیدا می‌کند.

دانشگاه مریلند آمریکا نیز در تحقیقی دانشگاهی در سال گذشته (۲۰۱۴) عنوان کرده بود که کاربران زن به طور متوسط ۲۵ برابر بیشتر از کاربران مرد با پیغام‌های تهدیدگر،

فحاشی، پیغام‌های با کلمات رکیک و جنسیت‌زده و خشونت کلامی مواجه می‌شوند. دست‌کم ۸۷ درصد کاربران زن با کامنت‌های جنسیت‌زده مواجه شده و تهدید جنسی دریافت کرده‌اند و قربانیان این آزار نیز بیشتر زنان بین ۱۸ تا ۳۰ ساله بوده‌اند.

گسترده‌گی این آزار و اذیت‌های آنلاین به قدری است که در سال ۲۰۱۳ تونی ونگ، رییس توییتر در بریتانیا از زنانی که در این شبکه تجربه خشونت جنسی و تهدید داشته‌اند، عذرخواهی کرد. طبق آخرین آمار نیز میزان گفت‌وگوهای رد و بدل شده میان کاربران این شبکه اجتماعی در سه سال اخیر نزدیک به ۱۰ درصد کاهش داشته که مهم‌ترین دلیل آن توهین‌ها، تهدیدها و آزار جنسی جنسیتی است که زنان در این شبکه اجتماعی با آن روبه‌رو شده‌اند.

اگر بخواهیم تعریف بین‌المللی را در قبال خشونت به کار ببریم، بر اساس تعریف سازمان ملل، خشونت علیه زنان بیانگر «هرگونه عمل خشونت‌آمیز علیه جنس مونث است که موجب وارد آمدن آسیب یا درد جسمانی، جنسی یا روانی به زنان شود یا می‌تواند بشود و همین‌طور تهدید به چنین اعمالی، اجبار یا محروم کردن خودسرانه از آزادی، چه در زندگی اجتماعی و چه در زندگی شخصی است».

از سوی دیگر در تعریف خشونت‌های پنهان علیه زنان آمده: «خشونت ابتدا در ذهن شکل می‌گیرد و بر اساس گفتمان فرهنگی بنیان نهاده می‌شود، گرچه با توسعه و رشد تمدن بشری و گسترش فرهنگ مدرن ایجاد قوانین بازدارنده و محدودکننده خشونت عریان کمتر شده اما خشونت پنهان

مانند: دروغ گفتن، بی‌توجهی به خواسته‌های زنان، چشم‌چرانی، تعدد زوج‌ها، انتقاد مدام از زن، جدا کردن زن از کودکش، پرخلاش کردن، وادار کردن زن به ترک خانه، وادار کردن زن به پوشش خاص نادیده انگاشته شده است، خشونت بی‌رحم تحقیرآمیز و ضد کرامت انسانی که بر اساس نتایج پژوهش ملی خشونت علیه زنان در ایران بیشترین رفتار خشونت‌آمیز علیه زنان در این دسته قرار دارند».

با توجه به این تعاریف خشونت آنلاین علیه زنان در زمره خشونت پنهان محسوب می‌شود که می‌تواند موجب آسیب‌های اجتماعی و روانی و همچنین کاهش اعتماد به نفس در زنان شود. از سوی دیگر این نوع خشونت می‌تواند به حذف یا کم‌رنگ شدن حضور آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی و همچنین فضای مجازی شود. اتفاقی که البته پیش‌تر در توییتر به وقوع پیوسته است.

بر اساس تحقیقات دانشگاه جورجیا در این خصوص «بسیاری از مردان اینترنت را قلمرو خود می‌دانند و میل به سرکوب زنانی دارند که وارد قلمرو آن‌ها می‌شوند، همان‌گونه که این میل در محیط‌های کاری هم در مردان دیده می‌شود». این در حالی است که در سال ۱۹۹۵ کنفرانس جهانی زنان که در پکن برگزار شد عدم بهره‌مندی زنان از اینترنت به عنوان سومین عامل عقب‌ماندگی آن‌ها شناخته شد. با این وجود حال که زنان در این حوزه نیز وارد شده و حضور پررنگی دارند؛ عواملی از جمله آزار و اذیت‌های جنسی جنسیتی باعث شده که این فضا را نیز ترک کرده و حضور کم‌رنگی در آن داشته باشند.

در برخی موارد نیز زنان کاربر اینترنت طعمه‌ی عوامل آزار می‌شوند و همان‌طور که در تیتتر برخی از اخبار می‌آید به طور مثال فلان تعداد زن گرفتار باند پیرمردهای اینترنتی شده‌اند. در واقع فضای اینترنت همان‌قدر که توانسته در گسترش آگاهی و اطلاع‌رسانی مثبت عمل کند، به همان اندازه نیز در آزار و اذیت زنان نقش داشته است.

در عین حال برخی از جامعه‌شناسان معتقدند که اشخاصی که در جامعه و در خیابان به زنان آسیب‌های جنسی جنسیتی وارد می‌کنند حال با در اختیار داشتن اینترنت و فضای مجازی همان فرهنگ را به کوچه‌های دنیای مجازی آورده‌اند. از پیشنهاد دوستی و هم‌خوابگی تا تهدید به افشای روابط در صورت پاسخ منفی زن. اما همان‌طور که در جامعه و فرهنگ کشورهای توسعه‌نیافته که زنان را فرودست می‌دانند تقصیر و گناه این نوع آزارها برعهده‌ی زنان گذاشته می‌شود در فضای مجازی نیز موارد بسیاری دیده شده که در صورت افشای این مسائل، باز هم زنان مقصر شناخته می‌شوند. یکی از جنجالی‌ترین نمونه‌ها در سال جاری هنگامی اتفاق افتاد که مینا خانی، رقصنده ساکن آلمان متن چت خصوصی خود را با مردی که او را مورد آزار جنسی جنسیتی قرار داده بود، منتشر کرد. در پی انتشار متن این چت، حتی بسیاری از نزدیکان مینا نیز به او انتقاد کردند که با افشای آن چت،

حوزه‌ی خصوصی عامل آزار و اذیت را خدشه‌دار کرده یا عده‌ای دیگر گفتند که او برای معروفیت یا جلب توجه دیگران دست به این اقدام زده است. در حالی که این توجیه‌ها در دنیای واقعی نیز هنگامی که زنی پرده از خشونت پنهان برمی‌دارد گریبان‌گیر او می‌شود. بسیار شنیده‌ایم که در واکنش به چنین افشایی گفته شده: «اگر خودت نمی‌خواستی، این‌گونه نمی‌شد» یا «موضوع را داغ کرده‌اید» یا امثال آن. مساله‌ای که البته به بیشتر شدن سکوت جاری در این خشونت کمک می‌کند.

در نمونه‌ای دیگر اما که سال‌ها پیش اتفاق افتاد، زهرا میرابراهیمی، بازیگر سینمای ایران قربانی این نوع از خشونت پنهان شد. اتفاقی که سرانجام به دادگاه و ترک کشور انجامید. فیلم رابطه‌ی جنسی میرابراهیمی با فردی که گفته می‌شد دوست پسر سابق او بوده طی تنها چند روز دست به دست می‌شد و جدای از تبعات دادگاه و بازجویی‌های امنیتی باعث شد که این بازیگر سینما خاک ایران را برای همیشه ترک کند. واکنش عمومی اما به انتشار این ویدیو یا میرابراهیمی را متهم می‌کرد یا از او بازیگر پورن ساخته بود که همگان ویدیوی هم‌خوابگی‌اش را تماشا می‌کردند. در حالی که در این مورد آن‌چه به وقوع پیوسته بود نقض حریم شخصی این بازیگر بود که کم‌تر توجهی به آن شد.

البته میرابراهیمی و خانی تنها زنانی نبودند و نیستند که مورد این نوع از خشونت قرار گرفته‌اند اما شاید بتوان گفت که مساله‌ی آن‌ها جنجال بسیاری در دنیای مجازی و واقعی به وجود آورد. خشونتی که به میرابراهیمی وارد شد نوعی از خشونت آشکار و در حد افکار عمومی یک جامعه بود اما خشونتی که دامن خانی را گرفت، خشونت پنهان بود که به تصمیم وی به دنیای آشکار راه پیدا کرد.

سارا زنی ۳۳ ساله است که روزانه نزدیک به ۱۰ ساعت از اینترنت و فضاهای مجازی استفاده می‌کند. او معتقد است که «فقط کافی است جنسیت شما زن باشد و وارد دنیای مجازی شوید. همین زن بودن شما را در معرض خطرهایی قرار می‌دهد که گاه درمان آسیب‌های آن سال‌های سال به طول می‌انجامد. شاید به جرات بگویم که خود من هر هفته با پیغام یا کامنتی از این دست مواجه می‌شوم.

با کاربری دیگر که در پیغام‌های خصوصی یا این‌باکسی پیشنهاد سکس می‌دهد یا حتی تصورات و تخیلات هم‌خوابگی‌اش با من را برایم می‌نویسد. پیشنهادهای زیادی هم در توییتر برای سکس چت دریافت می‌کنم. بعضی از آن‌ها وقتی جواب «نه» می‌شوند ادامه نمی‌دهند و برخی دیگر نه تنها اصرار می‌کنند بلکه کار به تهدید هم می‌کشد که اگر سکس چت نکنی عکس یا متن چت را برای خانواده‌ات ارسال می‌کنیم».

کارشناسان حوزه‌ی اینترنت اما معتقدند که هزینه‌ی آزار و اذیت جنسی جنسیتی در فضای آنلاین به مراتب کم‌تر از فضای واقعی است؛ چراکه عاملان می‌توانند

بر اساس تحقیقات دانشگاه جورجیا در این خصوص «بسیاری از مردان اینترنت را قلمرو خود می‌دانند و میل به سرکوب زنانی دارند که وارد قلمرو آن‌ها می‌شوند، همان‌گونه که این میل در محیط‌های کاری هم در مردان دیده می‌شود».

این در حالی است که در سال ۱۹۹۵ کنفرانس جهانی زنان که در پکن برگزار شد عدم بهره‌مندی زنان از اینترنت به عنوان سومین عامل عقب‌ماندگی آن‌ها شناخته شد. با این وجود حال که زنان در این حوزه نیز وارد شده و حضور پررنگی دارند؛ عواملی از جمله آزار و اذیت‌های جنسی جنسیتی باعث شده که این فضا را نیز ترک کرده و حضور کم‌رنگی در آن داشته باشند.



ناشناخته باقی بمانند یا پشت هویت‌های ساختگی پنهان شوند. نامحدود بودن گستره‌ی اینترنت نیز این اجازه را به عاملان می‌دهد که از هر نقطه‌ی جهان که مایل‌اند زنان را در دیگر نقاط یا هرکجا که می‌خواهند مورد آزار و اذیت جنسی قرار دهند.

از سوی دیگر فضای مجازی می‌تواند وجوه مثبتی نیز در خصوص خشونت علیه زنان داشته باشد. همان‌طور که در سال‌های اخیر گروه‌های فعال در حوزه‌ی حقوق زنان با ایجاد گروه‌ها و صفحه‌های فیس‌بوکی یا در تلگرام و ابزارهای ارتباط جمعی در راستای بالا بردن آگاهی جمعی در این خصوص کوشیده‌اند. رکسانه گی، استاد ادبیات فمینیستی در دانشگاه «پرودو» که اولویت فعالیت خود را به مبارزه با خشونت آنلاین علیه زنان اختصاص داده، آرزو دارد که «دست‌کم جهان آنلاین برای زنان برابرتر و ایمن‌تر شود».

با این وجود به دلیل تابوهای اجتماعی در خصوص مسایل جنسی جنسیتی، افشای این نوع خشونت همچنان در ایران و کشورهای توسعه‌نیافته که غرق در تابوهای اجتماعی هستند به ندرت دیده می‌شود و اگر افشاگری نیز به میان آید؛ در بیشتر مواقع با آن مقابله صورت می‌گیرد.

به عنوان مثال آن‌چه میان آزاده نامداری و همسرش فرزاد حسنی از مجریان تلویزیون ملی ایران رخ داد؛ نمونه‌ای از افشای خشونت و مقابله‌هایی است که با آن صورت می‌گیرد. نامداری با انتشار عکس صورت کبود خود در اینستاگرام نوشت که همسرش، دیگر مجری تلویزیون او را مورد ضرب و شتم قرار داده. جمعی از کاربران فضای مجازی اما به محض دیدن عکس او، نامداری را متهم کردند که حریم خصوصی را وارد حریم عمومی کرده. در حالی که آن‌چه این مجری تلویزیون انجام داد تنها نمونه‌ای بود از آن‌چه هر روزه

در خانه‌های ما اتفاق می‌افتد.

در عین حال قوانین جمهوری اسلامی در خصوص جرایم رایانه‌ای نیز به جای کمک به قربانیان، بیشتر به مسایلی چون بازداشت مخالفان و فعالان اینترنتی انجامید. ۸ ماه پس از انتخابات مناقشه‌برانگیز سال ۸۸ قانون مبارزه با جرایم اینترنتی در ایران تصویب شد. البته زمینه‌ساز تصویب این قانون فعالیت کنش‌گران سیاسی و مدنی در فیس‌بوک بود؛ به طوری که حتی در دادگاه نیز علیه این شبکه‌ی اجتماعی کیفرخواست خوانده شد.

در این قانون که به سه بخش بررسی جرم، آیین دادرسی و تبیین مقررات تقسیم می‌شود در بررسی جرم ۲۷ مورد شمرده شده که هرکدام از آن‌ها می‌تواند به عنوان ابزاری برای خشونت علیه زنان قلمداد شود. مانند: اشاعه فحشا و منکرات، تحریک، تشویق، ترغیب، تهدید یا دعوت به فساد و فحشا و ارتکاب جرایم منافی عرف و ... اما آن‌چه پلیس اینترنت انجام داد بازداشت گسترده مخالفان خود در فضای مجازی بود.

با این وجود همچنان سکوت مقابل این نوع از خشونت به مثابه دیگر انواع خشونت در دنیای واقعی بیش از افشای حقیقت است. زنان خصوصا به هر دلیلی از بازگو کردن خشونت‌هایی که با آن روبه‌رو می‌شوند سر باز می‌زنند و جامعه نیز پذیرای واقعیت پنهانی که هر روزه در حال تکرار است، نیست. آن‌چه در فضای مجازی اما می‌تواند به کمک زنان بیاید ثبت در حافظه است. به طوری که آن‌چه در دنیای مجازی ثبت می‌شود قابل انکار نیست و می‌تواند به عنوان سند مطرح شود. اما در این مرحله آن‌چه مانع شکستن این سکوت می‌شود فرهنگ جامعه است که هنوز نتوانسته حقوق فردی و انسانی را بپذیرد و اسیر تابوهای اجتماعی خود است.

**قوانین جمهوری اسلامی در خصوص جرایم رایانه‌ای نیز به جای کمک به قربانیان، بیشتر به مسایلی چون بازداشت مخالفان و فعالان اینترنتی انجامید. ۸ ماه پس از انتخابات مناقشه‌برانگیز سال ۸۸ قانون مبارزه با جرایم اینترنتی در ایران تصویب شد. البته زمینه‌ساز تصویب این قانون فعالیت کنش‌گران سیاسی و مدنی در فیس‌بوک بود؛ به طوری که حتی در دادگاه نیز علیه این شبکه‌ی اجتماعی کیفرخواست خوانده شد.**



## فضای مجازی در ایران زیر کنترل مستقیم رهبری

پالایش یا فیلترینگ در ایران از سال ۱۳۸۰ با تصویب مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای آغاز شد. پیرو آن در سال ۱۳۸۱ «کمیته مصادیق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای غیرمجاز» زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شد. وزارت اطلاعات، سازمان صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نماینده شورای عالی انقلاب فرهنگی و سازمان تبلیغات اسلامی اعضای ثابت و اصلی کمیته مصادیق پایگاه‌های غیر مجاز اینترنتی بودند و وزارت اطلاعات مسئولیت آن را برعهده داشت.

بعدتر نیز طرح تشکیل ارتش سایبری ایران از سال ۸۴ در سپاه مطرح شد و مدتی بعد گروهی بسیار وسیع تشکیل شد که به کار سرکوب کاربران اینترنتی از راه‌های مختلف می‌پرداختند. در سال ۸۸ در خبری کوتاه در خبرگزاری فارس اعلام شد یکی از موسسات نظامی - امنیتی آمریکایی مطرح کرده که ارتش سایبری ایران متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. موسسه «دیفنس تک» با تاکید بر این که ارتش سایبری ایران زیرمجموعه تیم رصد سایبری سپاه است، بودجه این تیم را ۷۶ میلیون دلار اعلام کرده و تعداد نیروهای سایبری سپاه را بیش از ۲۴۰۰ نفر به علاوه ۱۲ هزار نفر نیروی مردمی تخمین زده بود.

در تابستان ۱۳۹۱ مرکز بین‌المللی توسعه در لندن در گزارشی، ارتش سایبری ایران را به چهار گروه تقسیم کرد. گروه اول که مأموریت آن‌ها دفاعی است و به پیگیری هویت هک‌های مهاجم و خنثی کردن فعالیت آن‌ها می‌پردازد. گروه دوم که

سرکوب فعالان در ایران نه تنها در فضای حقیقی صورت می‌گیرد و منجر به بازداشت آن‌ها می‌شود، که در فضای مجازی نیز دنبال می‌شود. این نوع از سرکوب از راه‌های گوناگونی رخ می‌دهد. به این صورت که گاه در حد فیلتر کردن وبلاگ‌ها و یا سایت‌ها است، گاه از طریق پایین آوردن سرعت اینترنت در ایران و گاهی نیز به صورت



**شیدها جهان‌بین**

هک کردن و در دست گرفتن اطلاعات افراد مختلف اتفاق می‌افتد. نتیجه پیگیری‌های حکومت در فضای مجازی، می‌تواند بازداشت افراد و محکومیت آن‌ها به سال‌ها زندان باشد. این سرکوب‌ها از زمانی آغاز شد که اینترنت در اختیار شهروندان ایرانی قرار گرفت و افراد در نقاط مختلف، از طریق خطوط اینترنتی به پخش اخبار در مورد ایران و یا دیگر کشورها پرداختند و یا این‌که با تاسیس وبلاگ، دست به انتشار عقاید و نظرات خود زدند. اینترنت زمینه ابراز عقیده شخصی را تا حد زیادی فراهم کرد و از همین رو کاربران مختلفی در سراسر ایران یا با نام حقیقی و یا با نام مجازی مشغول انتشار عقاید و اخبار و یا خاطرات روزانه خود شدند. در این میان نبود کنترل روی نوشته‌ها، عکس‌ها، پادکست‌ها و یا ویدیوهایی که کاربران بارگزاری می‌کردند می‌توانست برای حکومت ایران مشکلاتی ایجاد کند. محدودسازی دسترسی به نشانی‌های اینترنتی از طریق



## یادداشت

**قانون جرایم**

**رایانه‌ای در سال**

**۱۳۸۸ برای**

**تعیین مصادیق**

**استفاده مجرمانه**

**از سامانه‌های**

**رایانه‌ای و**

**مخابراتی به**

**تصویب مجلس**

**شورای اسلامی**

**رسید. قانون**

**جرایم رایانه‌ای در**

**۵ بخش و ۵۵ ماده**

**تنظیم شده‌است.**

**حبس و جریمه**

**نقدی یا هر دو**

**مجازات‌هایی است**

**که برای مرتکبین**

**این جرایم وضع**

**شده است.**

**در این راستا،**

**پلیس فضای تولید**

**و تبادل اطلاعات**

**ایران یا پلیس**

**سایبری ایران با**

**نام مختصر فتا**

**که در ۳ بهمن**

**۱۳۸۹ تشکیل**

**شد به عنوان یک**

**واحد تخصصی**

**نیروی انتظامی**

**جمهوری اسلامی**

**ایران شناخته**

**می‌شود که وظیفه**

**جلوگیری و مبارزه**

**با کلاهبرداری**

**اینترنتی و جعل،**

**سرقت اینترنتی،**

**هک و نفوذ، جرایم**

**سازمان یافته**

**رایانه‌ای،**

**پورنوگرافی و**

**تجاوز به حریم**

**خصوصی افراد را**

**بر عهده دارد.**

ماموریت آن‌ها تهاجمی است و تاسیسات زیربنایی

«دشمنان ایران» از جمله تاسیسات انرژی، آب، شبکه‌ی

قطارها و فرودگاه‌ها و هم‌چنین تاسیسات امنی برخی

کشورها، بانک‌ها و بازارهای جهانی را هدف قرار

می‌دهد. گروه سوم که ماموریت رمزگشایی عبور

واژه‌ها و ابزار انتقال اطلاعات را برعهده دارد و وظیفه

گروه چهارم نیز حمله به سایت‌های «دشمن» است.

سایت گرداب وابسته به مرکز جرایم سازمان یافته،

تنها وب‌سایتی که سپاه پاسداران، راه‌اندازی و فعالیت

آن‌را برعهده گرفته و معترف است که توسط فرمانده

پدافند سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

راه‌اندازی شده. به نوشته این وب‌سایت، وظیفه این

مرکز که در سال ۱۳۸۶ تاسیس شده، بررسی جرایم

سازمان‌یافته تروریستی، جاسوسی، اقتصادی و اجتماعی

در فضای مجازی است. سایت توپیر، سایت موج

سبز آزادی، سایت‌های رادیو زمانه، خبرنامه امیرکبیر،

وب‌سایت شخصی محسن سازگارا، سایت جرس و …

از نمونه‌هایی هستند که توسط ارتش سایبری ایران

مورد حمله قرار گرفتند. برخی عملیات جداگانه نفوذ

اینترنتی نیز در مناطق مختلف جهان صورت گرفته

که ارتش سایبری ایران، از متهمان انجام آن‌ها به

شمار می‌رود.

در شهریور ماه سال ۱۳۸۹، دولت هلند گزارش داد

که احتمالا افراد مرتبط با حکومت ایران، رمز عبور

و اطلاعات مبادله شده حدود ۳۰۰ هزار کاربر ایرانی

سایت‌های مختلف، از جمله سرویس‌های گوگل را

به دست آورده‌اند. در آن زمان، کارشناسان هلندی

هم‌چنین این نظر را مطرح کردند که ممکن است

هکرهای ایرانی دامنه‌های دیگری هم‌چون دامنه

سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و اسراییل را نیز هدف

قرار داده باشند.

قانون جرایم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸ برای تعیین

مصادیق استفاده مجرمانه از سامانه‌های رایانه‌ای

و مخابراتی به تصویب مجلس شورای اسلامی

رسید. قانون جرایم رایانه‌ای در ۵ بخش و ۵۵ ماده

تنظیم شده‌است. حبس و جریمه نقدی یا هر دو

مجازات‌هایی است که برای مرتکبین این جرایم

وضع شده است.

در این راستا، پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات

ایران یا پلیس سایبری ایران با نام مختصر فتا که

در ۳ بهمن ۱۳۸۹ تشکیل شد به عنوان یک واحد

تخصصی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

شناخته می‌شود که وظیفه جلوگیری و مبارزه با

کلاهبرداری اینترنتی و جعل، سرقت اینترنتی، هک و

نفوذ، جرایم سازمان‌یافته رایانه‌ای، پورنوگرافی و تجاوز

به حریم خصوصی افراد را بر عهده دارد. همچنین

دسترسی غیر مجاز، برداشت اینترنتی غیرمجاز از

حساب‌های بانکی اشخاص، شنود غیرمجاز، جعل

رایانه‌ای، تخریب و اخلال در داده‌ها و سامانه‌های

رایانه‌ای و مخابراتی، استفاده غیر مجاز از پهنای باند

بین‌المللی برای برقراری ارتباطات مخابراتی، تولید و

آموزش بدافزارها یا نرم‌افزارهای ارتکاب جرایم سایبری

و گذرواژه و اطلاعات کاربران از جمله موضوعاتی است

که مورد پیگیری پلیس فتا قرار می‌گیرد. مسوولان

معتقدند که این ارگان ماموریت تامین نظم و امنیت و

آسایش عمومی و فردی در فضای مجازی را بر عهده

دارد.

پلیس فتا اعلام کرده است «ارتقای امنیت فضای

مجازی از طریق رصد و پایش مستمر این فضا

مهم‌ترین هدف پلیس فتا است. به عموم کاربران

توصیه می‌کنم در خصوص رعایت قوانین و مقررات

و پرهیز از ارتکاب هرگونه جرمی در فضای سایبری

مراقب باشند چرا که پلیس بر آنچه در این فضا

می‌گذرد اشراف کامل دارد». این در حالی است

که در ایران، جمعیتی چند میلیونی از شبکه‌های

اجتماعی نظیر فیس‌بوک و توئیتر استفاده می‌کنند

و با سخت‌گیری‌های حکومتی، مشاهده شده است

که برخی از شهروندان ایرانی به دلیل عضویت در

فیس‌بوک و فعالیت در آن، توسط پلیس فتا بازداشت

شده‌اند.

برای نمونه در آبان ۱۳۹۱ ستار بهشتی، کارگر و

وبلاگ‌نویس ۳۵ ساله که توسط پلیس فتا بازداشت

شده بود در هنگام بازجویی درگذشت. در پی این

تخلف، به دستور اسماعیل احمدی‌مقدم، سرهنگ

محمدحسن شکریان، رییس پلیس فتای تهران در

تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۹۱ برکنار شد و یا در نمونه‌ای

دیگر در خرداد ۹۳ سه شهروند اهوازی به اتهام ایجاد

صفحاتی در فیس‌بوک هرکدام به سه سال زندان

محکوم شدند. در تیرماه سال ۹۳ شعبه ۲۸ دادگاه

انقلاب، هشت فعال شبکه اجتماعی فیس‌بوک را در

مجموع به حدود ۱۲۷ سال حبس محکوم کرد.

ارگان دیگری که به کار تصمیم‌گیری در خصوص

فضای مجازی و کاربران آن مشغول است، «شورای

عالی فضای مجازی» نام دارد که آیت‌الله علی خامنه‌ای

رهبِر ایران در اسفندماه سال ۱۳۹۰ دستور تشکیل

آن‌را صادر کرد. بنا به گزارش خبرگزاری دانشجویان

ایران (ایسنا)، این شورا باید با تشکیل یک مرکز

ملی فضای مجازی نسبت به فضای مجازی در داخل

و خارج از ایران «اشراف کامل» داشته باشد و نسبت

به «مواجهه فعال» با فضای مجازی «از حیث سخت

افزازی، نرم افزاری و محتوایی» تصمیم‌گیری کند.

وی همه دستگاه‌های کشور را موظف به همکاری با

مرکز کرد.

در بخشی از فرمان‌نامه خامنه‌ای آمده است «گسترش

فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به‌ویژه

شبکه جهانی اینترنت و آثار چشم‌گیر آن در ابعاد

زندگی فردی و اجتماعی و لزوم سرمایه‌گذاری

وسیع و هدف‌مند در جهت بهره‌گیری حداکثری از

## یادداشت

فرصت‌های ناشی از آن در جهت پیشرفت همه جانبه

کشور و ارایه خدمات گسترده و مفید به اقشار

گوناگون مردم و هم‌چنین ضرورت برنامه‌ریزی و

هماهنگی مستمر به منظور صیانت از آسیب‌های

ناشی از آن اقتضا می‌کند که نقطه کانونی متمرکزی

برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و هماهنگی در

فضای مجازی کشور به وجود آید. به این مناسبت

شورای عالی فضای مجازی کشور با اختیارات کافی

به ریاست رییس‌جمهور تشکیل می‌شود و لازم است

به کلیه مصوبات آن ترتیب آثار قانونی داده شود».

رییس‌جمهوری، رییس مجلس شورای اسلامی، رییس

قوه قضاییه، رییس سازمان صداوسیما، دبیر شورا و

رییس مرکز ملی فضای مجازی، وزیر ارتباطات و

فناوری اطلاعات، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی،

وزیر علوم و تحقیقات و فناوری، وزیر اطلاعات،

رییس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی،

رییس سازمان تبلیغات اسلامی، فرمانده کل سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی، فرمانده ناجا و دادستان

کل کشور اعضای حقوقی و حمید شهریاری، سید

جواد مظلومی، مسعود ابوطالبی، کامیار ثقفی، رسول

جلیلی، عزت‌الله ضرغامی، علیرضا شاه‌میرزایی و

مهدی اخوان بهابادی اعضای حقیقی این شورا

را تشکیل می‌دهند. شورای عالی فضای مجازی

فیلترینگ اینترنت در ایران را هدایت می‌کند و

تعیین می‌کند کدام سایت‌ها باید مسدود شوند.

در حال حاضر، پس از چین ایران مسدودکننده

بیشترین تعداد سایت‌های اینترنتی در جهان است.

ده وظیفه اصلی این شورا که در ۱۴ شهریورماه سال

جاری از سوی خامنه‌ای ابلاغ شد بدین شرح است:

۱. انحلال شوراهای عالی مصوب در گذشته که

موازی این شورا هستند، به منظور تحکیم جایگاه

فراقوه‌ای و موقعیت‌محوری و کانونی شورای عالی و

نیز انتقال وظایف آن شوراها به شورای عالی فضای

مجازی.

۲. تثبیت و تقویت جایگاه مرکز ملی فضای مجازی

به عنوان بازوی شورای عالی فضای مجازی در جهت

تحقق تصمیمات آن شورا با وظایف: رصد وضعیت

جاری فضای مجازی و پیش‌بینی و آینده‌نگری

تحولات دراین فضا در سطح ملی و بین‌المللی،

ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی میان وزارت‌خانه‌ها،

سازمان‌ها و نهادهای مختلف ذی‌ربط در ابعاد علمی،

فنی، اقتصادی، بازرگانی، حقوقی، انتظامی، امنیتی و

دفاعی مرتبط با فضای مجازی و نظارت مستمر بر

عملکرد دستگاه‌ها و بخش‌های ذی‌ربط در چارچوب

مصوبات شورای عالی.

۳.ارتقای ایران به قدرت سایبری در طراز قدرت‌های

تاثیرگذار جهانی و برخورداری از ابتکار عمل و قدرت

تعامل با دیگر کشورها در جهت شکل‌دهی به

قواعد و قوانین مرتبط با فضای مجازی در عرصه

جهانی با رویکرد اخلاق‌مدار و عادلانه.

۴. اهتمام ملی و همه‌جانبه و سرمایه‌گذاری جدی

در امر ایجاد و توسعه انواع فناوری‌ها و صنایع

کاملا پیشرفته و رقابتی خصوصا با استفاده و ایجاد

رشته‌های نوین دانشگاهی و تربیت سرمایه‌های

انسانی متعهد، متخصص و کارآمد مورد نیاز در

بخش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، محتوایی و

خدماتی در تمامی ابعاد فضای مجازی به‌ویژه در

برنامه ششم توسعه و برنامه‌ریزی سالانه کشور.

۵. تسریع در راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات پس از

تصویب طرح آن در شورای عالی و نظارت مستمر و

موثر مرکز ملی بر مراحل راه‌اندازی و بهره‌برداری

از آن.

۶. اهتمام ویژه به سالم‌سازی و حفظ امنیت

همه‌جانبه فضای مجازی کشور و نیز حفظ حریم

خصوصی آحاد جامعه و مقابله موثر با نفوذ و

دست‌اندازی بیگانگان در این عرصه.

۷. ترویج هنرها، ارزش‌ها و سبک زندگی اسلامی

ایرانی و ممانعت از رخنه‌ها و آسیب‌های فرهنگی

و اجتماعی در این عرصه و مقابله موثر با تهاجم

همه‌جانبه فرهنگی و نیز ارتقای فرهنگ کاربری و

سواد فضای مجازی جامعه.

۸. احراز جایگاه و سهم مناسب برای اقتصاد

دانش‌بنیان در فضای مجازی در چارچوب

سیاست‌های اقتصاد مقاومتی کشور و برنامه‌ریزی

همه‌جانبه برای بهبود شرایط کسب و کار مرتبط

با فناوری‌های مجازی و بهره‌گیری از فرصت‌های

اشتغال‌زایی ونیز رونق محتوا، خدمات و تجارت در

این عرصه.

۹. توسعه محتواو و خدمات کارآمد و رقابتی مطابق

بر ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی – ایرانی در تمامی

قلمروهای مورد نیاز جامعه و جلب مشارکت‌های

مردمی و به کارگیری ظرفیت‌های بخش خصوصی

در این زمینه.

۱۰. تدوین و تصویب نظام‌های امنیتی، حقوقی،

قضایی و انتظامی مورد نیاز در فضای مجازی.

حدود یک ماه پیش آیت‌الله خامنه‌ای، طی حکمی

تمامی شوراهای مربوط به فضای مجازی را منحل

و وظایف آن‌ها را به این شورا منتقل کرد. یک

هفته پس از صدور این حکم، خامنه‌ای در دیدار با

حسن روحانی و اعضای این شورا خواستار آن شد

تا با «سیاست‌گذاری صحیح و اقدامات هماهنگ»

از «استعداهای جوان کشور» برای تولید محتوای

اسلامی استفاده شود.

تشکیل این شورا بدین معناست که تمام

سازمان‌های دیگری که در سیاست‌گزاری در مورد

اینترنت و فضای مجازی، صاحب قدرت هستند،

منحل و یا حوزه‌ی فعالیت آن‌ها محدود خواهد شد

و قدرت تصمیم‌گیری در شورای عالی فضای مجازی

## حقوق ما

**ارگان دیگری**

**که به کار**

**تصمیم‌گیری در**

**خصوص فضای**

**مجازی و کاربران**

**آن مشغول**



از طریق کنترل مستقیم رهبر جمهوری اسلامی ایران صورت خواهد گرفت. این کنترل مستقیم به صورتی است که آیت‌الله خامنه‌ای با تعیین مستقیم افرادی که در این شورا مشغول به فعالیت می‌شوند، قدرت تصمیم‌گیری در امر فضای مجازی را در دست خواهد گرفت.

همزمان با رشد محبوبیت شبکه‌های اجتماعی در ایران، مقامات و شخصیت‌های سیاسی در نظام جمهوری اسلامی هم با ایجاد حساب‌های کاربری به این شبکه‌ها پیوسته‌اند و از طریق فضای مجازی به بیان نظرات خود می‌پردازند. جواد ظریف، وزیر امور خارجه، علی جنئی، وزیر ارشاد، شهین‌دخت مولاوردی، معاون امور زنان ریاست جمهوری و بسیاری دیگر از مقامات دولتی و غیردولتی از جمله افرادی هستند که از فضای مجازی استفاده می‌کنند و این مساله همواره مورد بحث است که اگر استفاده از فیس‌بوک و اینستاگرام و تویتر برای مردم بدون فیلترشکن‌ها امکان‌پذیر نیست، چگونه مسوولان نظام هر روز نظرات و عکس‌ها و ویدیوهای خود را منتشر می‌کنند و حساب کاربری رهبر ایران، ویدیوهای بی‌ش از ۱۵ ثانیه در شبکه اینستاگرام منتشر می‌کند.

بازداشت‌ها در رابطه با کاربران فعالان مجازی هم‌چنان ادامه دارد. در آخرین موارد، در تاریخ ۸ شهریور غلامحسین محسنی اژه‌ای، سخنگوی قوه قضاییه، از بازداشت و محاکمه چهارنفر که مطالب «توهین آمیز» در فضای مجازی منتشر کرده بودند

خبر داد. هم‌چنین، حسین ساجدی‌نیا فرمانده پلیس تهران بزرگ در تاریخ ۱۵ شهریور به خبرگزاری ایسنا گفت که طی پنج ماه گذشته، پلیس فتای ایران ۲۷۲ کافه اینترنتی را بسته و به ۸۴۷ واحد دیگر نیز اخطار داده است.

در بیشتر موارد افرادی که به اتهام فعالیت در فیس بوک بازداشت شده‌اند با اتهاماتی نظیر جاسوسی، وابسته بودن به بیگانگان و یا جرایمی خلاف عفت و اخلاق مواجه شده‌اند و بر همین اساس حساب‌های طولانی مدت در انتظار آن‌ها بوده است.

در بسیاری از موارد نیز مشاهده شده است که قاضی‌ها، تخصصی در زمینه فناوری‌های کامپیوتری ندارند و بر این اساس همه چیز در این پرونده‌ها برمی‌گردد به گزارش وزارت اطلاعات یا پلیس فتا و به همین دلیل برای متهمان جرایم اینترنتی، وضعیت سخت‌تری در اثبات بی‌گناهی خود پدید می‌آید.

در این میان بسیاری از کاربران اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در ایران دقت‌چندانی به حفظ حریم شخصی خود و حفظ اطلاعات در دنیای مجازی ندارند و یا به تنظیمات امنیتی اکانت‌های خود بی‌توجه هستند و همین دلیلی می‌شود که سازمان‌های مختلفی که در خصوص نظارت بر فضای مجازی در ایران فعالیت می‌کنند، بتوانند به راحتی به اطلاعات و نام و نشان آن‌ها دست پیدا کنند و مشکلاتی نظیر بازداشت و حبس‌های کوتاه و یا بلند مدت را برای آن‌ها رقم بزنند.

**بازداشت‌ها در رابطه با کاربران فعالان مجازی هم‌چنان ادامه دارد. در آخرین موارد، در تاریخ ۸ شهریور غلامحسین محسنی اژه‌ای، سخنگوی قوه قضاییه، از بازداشت و محاکمه چهارنفر که مطالب «توهین آمیز» در فضای مجازی منتشر کرده بودند خبر داد. هم‌چنین، حسین ساجدی‌نیا فرمانده پلیس تهران بزرگ در تاریخ ۱۵ شهریور به خبرگزاری ایسنا گفت که طی پنج ماه گذشته، پلیس فتای ایران ۲۷۲ کافه اینترنتی را بسته و به ۸۴۷ واحد دیگر نیز اخطار داده است.**



کانون بین‌المللی وکلا خواستار آزادی فوری **عبدالفتاح سلطانی** شد. موسسه حقوق بشر کانون بین‌المللی وکلا روز ۳۰ سپتامبر طی بیانیه مطبوعاتی که در وب‌سایت این موسسه منتشر شده است از دولت ایران خواست تا فوراً عبدالفتاح سلطانی وکیل دادگستری که به سیزده سال حبس محکوم شده است را آزاد کند.

به گزارش مرکز حامیان حقوق بشر در این نامه آمده است که موسسه حقوق بشر کانون بین‌المللی وکلا نگران وضعیت سلامتی سلطانی است که در حال حاضر در زندان اوین بسر می‌برد. بارونس هلن کندی از اعضای مجلس اعیان و یکی از روسای این موسسه گفت: «عبدالفتاح سلطانی بیش از سه سال است که در زندان به سر می‌برد. موسسه حقوق بشر کانون بین‌المللی وکلا مطلع شده که وضعیت جسمی او رو به وخامت است و از انواع بیماری‌ها رنج می‌برد و مسوولین زندان توجهی به درمان او ندارند. ما به شدت از زندانی بودن او نگرانیم و مجدداً بر آزادی فوری او تأکید می‌کنیم».

هانس کورل یکی دیگر از روسای این موسسه در این بیانیه مطبوعاتی از دولت ایران خواسته که «به تعهدات بین‌المللی و قانون اساسی خود احترام بگذارد».

**حجت‌الاسلام محسن کدیور** قرآن‌پژوه، فعال سیاسی و از شاگردان آیت‌الله منتظری، حکم اعدام محمدعلی طاهری بنیان‌گذار عرفان حلقه را «وهن اسلام» دانست و گفت: «اینجانب در مطالعه‌ی کتب طاهری کم‌ترین دلالتی به تحقق عناوین یادشده (افساد فی‌الارض) نیافتم. به گزارش «سحام» آقای کدیور در این‌باره نوشته است:

در پی مراجعات برخی شاگردان و علاقه‌مندان محمدعلی طاهری به عرض می‌رساند طبق اخبار منتشره و اظهارات وکیل مدافع زندانی عقیدتی محمدعلی طاهری، ایشان به اتهاماتی از قبیل ارتداد، افساد فی‌الارض و توهین به مقدسات در دادگاه بدوی به اعدام محکوم شده است. ظاهراً مستند این اتهامات چیزی جز کتب منتشرشده‌ی ایشان نیست. این‌جانب در مطالعه‌ی کتب طاهری کم‌ترین دلالتی به تحقق عناوین یادشده نیافتم.

الف. در کتاب «مجازات ارتداد و آزادی مذهب: نقد مجازات ارتداد و سب‌النبی با موازین فقه استدلالی» (تیر ۱۳۹۳، ۴۰۶ صفحه) اثبات کرده‌ام که احدی را نمی‌توان به عنوان ارتداد مجازات کرد چه برسد به این که به اعدام محکوم نمود. کافی است فتاوا و مستندات حکم دادگاه بدوی منتشر شود تا بی‌پایگی آن عیان گردد.

ب. افساد فی‌الارض تبیین محاربه است و عنوانی مستقلی در مجازات دینی محسوب نمی‌شود. هیچ‌یک از مقومات محاربه (از قبیل سلب مسلحانه‌ی امنیت مردم منجر به قتل نفس) در زندگی طاهری محقق نشده تا چنین اتهامی وجاهت قانونی و شرعی داشته باشد. تفاوت دیدگاه نویسنده یا صاحب نظری با تفکر زمامداران نیز مجوز اتهام افساد فی‌الارض آن هم منجر به اعدام نمی‌شود. شهروندان دگراندیش را با اتهام افساد فی‌الارض محکوم به اعدام کردن تکرار روش سیاه انکیزیسیون در حکومت



او گفته است که «قانون اساسی ایران رعایت حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را برای همه شهروندان تضمین کرده است».

به گفته او «هم‌چنین ضروری است ایران به اجرای اصول اولیه سازمان ملل در مورد نقش وکلا متعهد باشد تا آزادی عمل وکلای ایرانی برای انجام وظایف حرفه‌ای آنها را بدون تهدید، دخالت و تعقیب قضایی تضمین کند».



آباء کلیسا در قرون میانه است.

ج. هر فکر متفاوتی با دین و آیین رسمی را با انگ توهین به مقدسات حذف کردن فاقد وجاهت شرعی و حقوقی است، و از نشانه‌های استبداد دینی است.

د. کتاب‌های محمدعلی طاهری یا روش عرفانی وی مثل هر کار بشری دیگری جایز الخطاست. راه مواجهه با فکر و سلوک عرفانی (به زعم حاکمیت باطل) «نقد علمی» است نه زندان و مجازات و اعدام. حتی اگر در روش و منش طاهری خطا و انحرافی هم باشد با مجازات و زندان و اعدام خطای علمی و انحرافی عرفانی محتمل به صلاح در نمی‌آید، بلکه تشدید می‌شود.

امیدوارم دادگاه تجدید نظر با عبرت از روند احکام اعدام در موارد مشابه در تاریخ جمهوری اسلامی متنبه شده، با لغو حکم بی‌اساس اعدام محمدعلی طاهری و صدور حکم برائت وی به غایله‌ای که یقیناً باعث وهن اسلام است پایان دهد.





## دو هفته نامه الکترونیک تخصصی حقوق بشر

ساحب امتیاز و مدیر مسئول

سازمان حقوق بشر ایران

محمود امیری مقدم

سرمدیر

مدیار سعید نژاد

ویراستار

علی مهتدی

تحریریه

علی مهتدی، شیدا جهان بین، آیدا قجر

صفحه بندی

زهرا علی پور

تماس با مجله

mail@iranhr.net

«حقوق ما» در ویرایش مطالب آزاد است